



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

۱۶۸

برای  
**یک دنیای بهتر**

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سر دبیر: سیاوش دانشور e.mail: [siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com) چهارشنبه ها منتشر میشود ۸ سپتامبر ۲۰۱۰ - ۱۷ شهریور ۱۳۸۹



## پایان دادن به تروریسم کار ماست

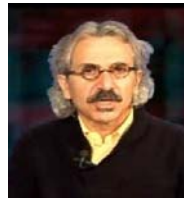
گفتگو با انترناسیونال هفتگی  
درباره حملات تروریستی علیه آمریکا

منصور حکمت

صفحه ۳



## ارزیابی از گرایش ضد لنین - ضد منصور حکمت در حزب اکس "کمونیست کارگری"



علی جوادی، آذر ماجدی، سیاوش دانشور

صفحه ۵



## علیه فقر و بیکاری

گفتگو با نسرین رضاعلی

صفحه ۱۱

## علیه گرانی و فقر! وظایف فوری کمونیسم و طبقه کارگر

## در حاشیه فراخوان به "قرآن سوزی"

در سالگرد ۱۱ سپتامبر

علی جوادی

صفحه ۱۳

## چرا اعدام؟

پدرام نو اندیش

صفحه ۱۴

در صفحات دیگر: اخراج کارگران ایلان جرثقیل، گریبان سرمایه داران را باید اول مهر گرفت، اطلاعیه های ۱۰ اکتبر، اطلاعیه دفتر پناهندگی حزب در باره بونان.



یادداشت سردبیر

سیاوش دانشور

## جنگ تروریستها؛ در سالروز ۱۱ سپتامبر

با عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ جهان و تقابلهای آن وارد فاز نوینی شد. جنگ تروریستها اگرچه منعکس کننده کلیه کشمکش ها و رقابتهای جهانی دولتهای سرمایه داری نیست اما هنوز نقش اساسی در تقابلهای منطقه ای و جهانی دارد و بویژه با گسترش تبلیغات جنگی تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی می رود که جایگاه و ابعاد بسیار هولناک تری بگیرد.

۱۱ سپتامبر برای دولت آمریکا که ابرقدرتی اش در جهان از کف رفته بود موقعیت طلائی ای بود تا بار دیگر ماشین نظامی اش را به حرکت در آورد و قدرتش را به جهانیان گوشزد کند. حمله به افغانستان و حمله دوم به عراق و سازماندهی انواع نیروهای باند سیاهی در منطقه در کنار ارتش آمریکا، اگر برای مردم منطقه میلیونها کشته و نابودی جامعه و زندگی شان را ببار آورد و مرتجعین و آدمکشانی دیگر را توسط دموکراسی بر زندگی شان حاکم کرد، اما نتوانسته است معضل آمریکا را در جهان امروز حل کند. تز "نظم نوین جهانی" جایی گم و گور شد. کسی از حال و روز استراتژی "خاورمیانه بزرگ" خبری ندارد و مدافعین و مفسرین اولیه اش جایی آفتابی نمیشوند. کسی نمیتواند بگوید دموکراسی موشک کروز در عراق و افغانستان برای مردم "رفاه و امنیت و دموکراسی" و کمی خوشبختی ببار آورده است. بجز عده ای همیشه دست به سینه پنتاگون، همه از شکست این سیاستها و پیامدهای مخربش بر زندگی میلیاردها انسان حرف میزنند و نیروهای ارتش آمریکا با چند هزار کشته و کوله باری از نفرت بخشا دارند به خانه

صفحه ۲

دولتی آمریکا و اسرائیل و متحدینش هنوز دست طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران است. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی توسط کارگران و مردم محروم ایران تنها یلاتفرم واقعی پایان دادن واقعی به تروریسم و میلیناریسم و نفی تهدید حمله به ایران است. صلح پایدار و همزیستی مردم منطقه و دستیابی به جامعه ای خوشبخت از جنگ تروریستها بیرون نمی آید. جنگ تروریستها تنها منشا عمیق کردن مشقات مردم و عروج انواع عقب ماندگی و ارتجاع فکری و فرهنگی و سیاسی است. پایان دادن به تروریسم کار بشریت متمدن و کار جنبشهای سیاسی و طبقاتی پیشرو و سوسیالیست در منطقه و جهان است. "علیه جنگ، علیه جمهوری اسلامی، برای آزادی و رفاه همگان!" این چهارچوب سیاستی مستقل و آزادیخواهانه است که در ایران و جهان میتواند علیه تهدید جنگ و سیاست تحریم اقتصادی و رفع مخاطرات پیش رو بمیدان آورد. راه سومی وجود ندارد. \*

فاکتور جدیدی در معادلات سیاسی وارد کرد و آن این بود اگر مردم بطور مستقل علیه جمهوری اسلامی برخیزند، بسیاری از محاسبات و نقشه های اردوهای تروریستی و جریانات ارتجاعی دولتی و غیر دولتی نقش بر آب میشود. افکار عمومی جهان متوجه شد که یک نیروی بالقوه ضد تروریستی وجود دارد که پیروزی آن میتواند کل معادلات منطقه را زیر و رو کند. مردم دنیا فهمیدند که کارگران و اکثریت مردم محروم ایران جمهوری اسلامی را نمیخواهند و این حکومت یک سلطه سیاسی است که بزور کشتار و شکنجه و تجاوز و اعدام سرپاست. اما حمله به این حکومت جنایتکار توسط تروریست های کمپ مقابل، نه تنها تلاش مردم برای رهایی از جمهوری اسلامی را بسیار سخت تر و چه بسا برای مدتی عقب می اندازد بلکه تروریسم اسلامی را به یک جریان افسار گسیخته تبدیل میکند.

در آستانه سالروز ۱۱ سپتامبر تقابل با تروریسم اسلامی و تروریسم

## جنگ تروریستها؛

در سالروز ۱۱ سپتامبر ...

هایشان برمیگردند.

جنگ تروریستها اما ادامه دارد و سالروز ۱۱ سپتامبر برای دولتهای تروریست وسیله تداوم تبلیغات نخ نمای "جنگ علیه ترور" و تخته پرشی برای تداوم و گسترش سیاست تروریستی و میلیناریستی است. در طول این سالها جبهه های جنگ کم و زیاد شد اما جنگ تروریستی هیچوقت متوقف نشد. سیاست میلیناریستی هیچوقت در استراتژی منطقه ای و جهانی آمریکا کنار نرفت بلکه نوع کاربرد آن در میان بخشهای مختلف هیئت حاکمه آمریکا مورد مشاجره بود. تروریسم اسلامی بخشی از شکست طرف مقابل را به پیروزی خود ترجمه کرد و برای عراق بعد از آمریکا نقشه ها در سر دارد. در افغانستان سازش با طالبان سر دسته تروریستها به تنه راه "صلح" و سرپا نگهداشتن دولت پفکی و ارتجاعی - اسلامی کرزای تبدیل شده است. جنبش اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در تلاش است که در هر گوشه دنیا جبهه جدیدی باز کند و در این تقابل تروریستی، که اساسا جدالی برسر قدرت سیاسی و سهم فراکسیونهای مختلف بورژوازی از آنست، جای پای خود را محکم کند. کانون جدید این تقابل جمهوری اسلامی بعنوان مهمترین حکومت اسلامی منطقه است که تلاش دارد جنبش اسلامی را به یک نیروی اتمی تبدیل کند.

"بمب های دقیق و هوشمند" نیست، بحث برسر جنگ اتمی است. روز روشن دارند برای ممانعت از اتمی شدن حریف تهدید به بمباران اتمی میکنند. حمله اتمی به ایران که قریب دهسال پیش در تبلیغات جنگی توسط رئیس جمهور فرانسه به آن اشاره شد، امروز جزو داده ها و مفروضات دستگانهایی تبلیغاتی است. طرف مقابل نیز در این توهم است که با چند کلاهک اتمی که بر موشکهای ساخت این و آن سوار شده و یا با آزمایش یک بمب اتمی دنیا را به پذیرش خود مجبور میکند. عربده میکشند که "تمام منطقه و جهان را به هدف تبدیل خواهیم کرد". مستقل از اینکه دامنه جنگ و دیپلماسی تروریستها به کدام تعادل میتواند بیانجامد، نفس خطری که امروز بالای سر مردم جهان و در کانون آن مردم ایران و منطقه چرخ میزند از اهمیت جدی برخوردار است. بحث برسر خطر فوری جنگ و یا بمباران ایران نیست، هرچند نمیتوان بسادگی از کنار اظهارات تند اخیر تونی بلر مینی بر حمله به ایران و یا تهدیدهای مرتب ژنرالهای ارتش آمریکا رد شد. مسئله اینست که چگونه میتوان خطر چنین جنایات هولناکی را دفع و یا منتفی کرد؟

در آستانه نهمین سالروز ۱۱ سپتامبر دنیا همچنان در تهدید تروریستها اسیر است و خطر ترور و جنگ و کشتار مردم بی دفاع بیش از هر زمان وجود دارد. نه فقط تروریسم منتفی نشده است بلکه به جزئی از زندگی ثابت مردم در تمام دنیا تبدیل شده و بویژه در منطقه خاورمیانه هر روز به انحاء مختلف قربانی میگردد و نرفت تولید میکند. در یکسال گذشته تحولات سیاسی در ایران

در نهمین سالروز ۱۱ سپتامبر همان حد تبلیغات جنگی، که بخشی از مانور دیپلماتیک و سیاست اعمال فشار است، در خود کابوسی وحشتناک و بیاتگر ظرفیت بغایت جنایتکارانه ای است که جنگ جدید تروریستها میتواند برای صدها میلیون انسان بیگناه به ارمغان بیاورد. دیگر صرفا بحث موشک های کروز و استفاده از بمبهای کثیف و ریختن

## تحریم اقتصادی

یک سلاح کشتار جمعی است!

"علیه جنگ، علیه جمهوری اسلامی، برای آزادی و رفاه همگان!"

## کارگران، کمونیستها!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای سرنگونی سرمایه داری از طریق یک انقلاب کارگری و برقراری حکومت کارگری مبارزه میکند. کلید آزادی جامعه دست طبقه کارگر و راه حل سوسیالیستی اش است.

به حزب پیوندید!

این حزب شماس است!



عوض میشود.

**هفتگی:** در عکس العمل های اولیه به این واقعه در خود آمریکا از ضعفهای امنیتی و اطلاعاتی صحبت شده است. بطور واقعی در خاک آمریکا به ساختمان وزارت دفاع و مهمترین مرکز مالی حمله شده و تعداد زیادی مردم قربانی شده اند. تاثیر این واقعه روی موقعیت آمریکا در جهان بعنوان ابر قدرت چیست، آمریکا برای جلوگیری از افت موقعیت خود چه اقداماتی ممکن است انجام دهد؟

**منصور حکمت:** بنظر من اتفاقا این تروریسم به نفع تثبیت چهره آمریکا بعنوان یک ابر قدرت کار میکند. ابر قدرتی آمریکا امری است که در برابر قطب های اقتصادی و سیاسی و نظامی دیگر در جهان سرمایه داری تعریف میشود و نه در برابر افغانستان یا عراق و یا جهاد اسلامی و حماس. ابر قدرتی آمریکا به معنی فعال مایشانی اش در جهان است و نه نفوذناپذیر بودن فرودگاهها و نسوز بودن ساختمان هایش. و فضای امروز جهان، پس از این واقعه، درست مانند دوران پس از اشغال کویت توسط عراق، فضای ابراز وفاداری مجدد قدرتهای دیگر غربی به آمریکا و تسلیم به تمایلات سیاسی و نظامی هیات حاکمه آمریکاست. این جنایت تروریستی به آمریکا یک چک سفید برای دخالتگری نظامی در هر جای دنیا و تاکید مجدد بر زعامت جهانی خودش میدهد. حال آنکه تا یکروز قبل، دولت آمریکا بخاطر طرفداری شور و لجاجتانه اش از اسرائیل و

صفحه ۴

## پایان دادن به تروریسم کار ماست

گفتگو با انترناسیونال هفتگی

درباره حملات تروریستی علیه آمریکا

نفوذ زیادی نداشته اند، و اینهم به خارج از آمریکا و اروپا اشاره میکند. با اینحال با قطعیت نمیتوان درباره عاملان و علل این حمله اظهار نظر کرد. دولت آمریکا و رسانه ها اساسا روی گروه بن لادن متمرکز شده اند.

**هفتگی:** مقامات آمریکا صحبت از انتقام و تنبیه تروریستها و کشورهای طرفدار تروریسم میکنند. بن لادن مورد اتهام است و میگویند اگر طالبان وی را تحویل ندهد احتمالا به افغانستان حمله میکنند. نظر شما در اینمورد چیست؟

**منصور حکمت:** بنظر من آمریکا و ناتو قطعا به یک عملیات بزرگ خشونت آمیز دست میزنند. نه لزوما و یا اساسا برای تنبیه عاملین این واقعه، که ممکن است اصولا در تیررس آمریکا نباشند، بلکه برای قدرتنمایی در سطح جهانی و همینطور بدلیل فاکتورهای روحی و روانشناسانه داخلی در خود آمریکا. آمریکا میان یک راه سیاسی موثر برای مقابله با تروریسم ضد آمریکایی و یک راه نظامی بیخاصیت، حتما دومی را انتخاب میکند. چون تنبیه آمریکا از خودش و از ابر قدرتی خودش، بر قدرت نظامی آن بنا شده.

در مورد ابعاد عکس العمل آمریکا هنوز قطعیتی وجود ندارد. فکر نمیکنم خودشان بمب انداختن و موشک زدن از راه دور به شهرها و مناطقی از افغانستان را اقدامی کافی بدانند. اگر طالبان بن لادن را تحویل بدهد، شاید ابعاد نظامی عکس العمل آمریکا محدود بماند. اما در غیر اینصورت قاعدتا نوعی اشغال نظامی و پیشروی زمینی در افغانستان یا حتی در عراق را در دستور میگذارند. این خیلی چیزها را عوض میکند. چهره سیاسی دنیا

روشن است که این واقعه، علاوه بر ابعاد باورنکردنی جنایتی که مستقیما صورت گرفته است، تازه مقدمه اوگیری بیشتر مسابقه تروریستی در سطح جهان است. یک روز سیاه، پیش درآمد مصائب بیشتر. فراخوان ما به مردم اینست که به میدان بیایند و دنیا را خود بدست بگیرند. باید جهان را از دست بمب گذار ها و ژنرالها درآورد.

**هفتگی:** این اقدام تروریستی توسط کی انجام شده و چه هدفی را دنبال میکند؟

**منصور حکمت:** هنوز حقایق این ماجرا روشن نشده است. احتمالات گوناگونی میتواند وجود داشته باشد. در ماجرای اوکلاهما سرعت معلوم شد که محافلی از راست افراطی در خود آمریکا مسبب آن فاجعه بودند. اما اینبار از قرائن چنین بر میآید که یک جریان اسلامی پشت این جنایت بوده است. خصلت انتحاری عملیات، این واقعه را در سنت جریان اسلامی قرار میدهد. اینکه کدام سازمان اسلامی و یا چه ترکیبی از سازمانها و دولتها پشت این حمله بوده اند مبهم تر است. ابعاد عملیات، وجود ۴ تیم با چهار خلبان آموزش دیده برای پرواز هواپیماهای مسافربری که آماده خودکشی بوده اند، نشان از یک طرح دراز مدت ۴-۵ ساله دارد. اینکه سرخی از چنین طرح بزرگ و دراز مدتی به سازمانهای جاسوسی غرب درز نکرده، حاکی از این است که منابع اطلاعاتی دولتهای غربی در درون این جریانات

در آستانه سالروز ۱۱ سپتامبر، هنوز اردوهای تروریستی در جهان علیه شهروندان بی دفاع مشغول سازماندهی عملیات تروریستی اند. سیاست قدری نظامی و دخالتگری میلیتاریستی در اقصی نقاط جهان و تهدید مرتب جنگ و حمله نظامی امروز، ادامه سیاست "جنگ علیه ترور" بوش است. جنگ تروریستها ادامه دارد و پایان دادن به آن کار نیروهائی است که بیرون این تقابل تروریستی اند. در آستانه سالروز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ گفتگو با منصور حکمت در باره این واقعه را مجددا منتشر میکنیم. همینطور خوانندگان نشریه را به مطالعه و یا بازخوانی مجدد چهار رساله منصور حکمت با عنوان "دنیا بعد از ۱۱ سپتامبر" جلب میکنیم. سردبیر.

**هفتگی:** در اثر حملات تروریستی و انتحاری به آسمانخراشهای مرکز تجارت جهانی در نیویورک و ساختمان پنتاگون در واشنگتن هزاران نفر از مردم آمریکا جانشان را از دست دادند. موضع حزب کمونیست کارگری ایران در قبال این واقعه چیست؟

**منصور حکمت:** حزب کمونیست کارگری فورا اطلاعیه ای در این باره صادر کرد. ما این اقدام را بعنوان یک جنایت عظیم علیه بشریت، یک نسل کشی تمام عیار محکوم میکنیم. دل ما با مردم به خون کشیده شده آمریکاست و عمیقا در اندوه آنها شریکیم. سازمانها و دولتهای مرتجع تروریسم را به گوشه ثابت زندگی در عصر ما تبدیل کرده اند. ما معتقدیم میشود و باید به نیروی مردم به تروریسم، اعم از دولتی و غیر دولتی خاتمه داد. برای ما

## پایان دادن به تروریسم کار ماست ...

فلسطین بدون به چپ چرخیدن هردو جامعه در اسرائیل و در فلسطین مقدر نیست. سکولاریسم و عدالت طلبی در

شانه بالا انداختنش در برابر قرارداد کیوتو (درباره حفظ محیط زیست) از طرف محافل بالا و رسانه ها در کشورهای غربی زیر فشار قرار گرفته بود. آمریکا از این واقعه بعنوان تخته پرش و بهانه و مقدمه ای برای یک قدرتمایی نظامی استفاده خواهد کرد. در کوتاه مدت همه قدرتهای غربی بله قربان خواهند گفت و خبردار خواهند ایستاد. در میان مدت اما، معادلات دیرپا تر اقتصادی و سیاسی مجددا نقطه تعادل را به ضرر آمریکا تغییر خواهند داد.

**هفتگی:** بلحاظ سیاسی آیا این واقعه موضوعاتی مانند صلح خاورمیانه و مساله فلسطین را تحت تاثیر قرار میدهد؟ چگونه؟

**منصور حکمت:** در کوتاه مدت قطعا همه چیز تحت الشعاع این واقعه قرار میگیرد. طرفین کشمکش در فلسطین و اسرائیل اکنون هردو بهت زده و بیحرکت و نگرانند. عرفات بسرعت خود را به میکروفن میرساند و محکوم میکند تا مبادا گوشه ای از گناه را به پای او بنویسند. سران اسرائیل بشدت از این فرمولبندی که این واقعه امتداد مساله فلسطین و عکس العملی در برابر خشونت‌های اسرائیل است برآشفته میشوند و از خود سلب مسئولیت میکنند. اما تأثیرات این واقعه در میان مدت بستگی به عکس العمل اولیه آمریکا در برابر این واقعه دارد. اگر یک قدرتمایی خونین علیه سازمانهای اسلامی صورت بگیرد، آنوقت در پایان ماجرا، همانطور که در پایان حمله به عراق دیدیم، یک سیکل دیپلماسی برای صلح دادن دو طرف بر متن این نقطه تعادل جدید نظامی آغاز میشود. اما مساله فلسطین و موقعیت اسرائیل و اعراب ریشه های سخت تری در واقعیات محلی دارد. صلح در

حتما مدتی فعال تر میشوند و تحریک میکنند، اما جامعه غربی پیشان میزند. برعکس، بنظر من مردم آمریکا، تا آنجا که از دور میشود فهمید، وقار و انسانیت تحسین برانگیزی در برابر چنین فاجعه تکان دهنده ای از خود بروز داده اند. بنظر من مردم آمریکا حتی یک عکس العمل نظامی بلا تبعیض از دولت آمریکا علیه مردم

**تروریسم دولتی را با بزیر کشیدن دولتهای تروریست باید خاتمه دارد. تروریسم غیر دولتی را باید با پایان دادن به مشقات و تبعیضات و استثمار و اختناق که انسانها را به استیصال سوق میدهد و قربانی جریانات و سازمانهای مرتجع ضد بشری میکند، از بین برد. با افشای مذهب، قوم پرستی، نژاد پرستی و هر ایدئولوژی منحطی که برای انسان احترام قائل نیست. پاسخ ما مبارزه برای ایجاد جوامع باز و آزاد و برابر است که در آن آدمیزاد و جان و حرمت و آسایشش ارزش داشته باشد.**

خاورمیانه را بسادگی نخواهند پذیرفت. این واقعه بزرگ تر از آن است که با کلیشه های رایج و پروپاگاند بشود سراغش رفت. در نتیجه بنظر من جامعه غربی به این واقعه برخورد پیچیده تر و بالغ تری خواهد کرد. تکنولوژی ارتباطاتی امروز در جهل نگاه داشتن مردم و تعصب خوراندن به آنها را دشوار تر کرده است. همان تلویزیونی که فاجعه نیویورک را جلوی چشم جهان میگرد، انهدام کابل را هم منعکس میکند. و کسی که بر فاجعه نیویورک اشک ریخته باشد، خواهد توانست بسادگی برای تکرارش در کابل هورا بکشد.

**هفتگی:** در اطلاعیه حزب اشاره شده فاجعه نیویورک حلقه ای در تشدید یک مسابقه تروریستی است، مسابقه ای که اکثر دولتهای جهان از یک طرف و جنبش های

هر دوسوی این کشمکش باید بر قوم پرستی و مذهب چیره بشود، تا صلح ممکن بشود. مساله فلسطین راه حل نظامی ندارد. اعراب بر نمیدارد. در نتیجه نهایتا تا نگرش دو جامعه نسبت به هم و صف بندی سیاسی میان چپ و راست در درون هردو تغییر نکند، مساله بجای خودش میماند.

**هفتگی:** در تبلیغات تاکنونی مدیای غربی این حملات تروریستی را تقابل با دمکراسی تعریف کرده اند و بعضی از "کشورهای اسلامی" را بنوعی در این تقابل گذاشته اند، آیا این ممکن است به رشد راسیسم در غرب دامن بزند؟

**منصور حکمت:** در رسانه های غربی رجعت محدودی به تزه های "نبرد تمدنها"ی هانتینگتون را شاهد بوده ایم. اینکه این یک جدال "تمدنی" است، حمله ای است به "روش زندگی" غربی و به دموکراسی و غیره اینجا و آنجا شنیده میشود. اما حرکت بستر اصلی جامعه، و حتی خود سخنگویان دولت آمریکا، گواه این است که یخ این دیدگاه نمیگردد. من نگران عروج راسیسم در پی این ماجرا نیستم. راسیستها

ارتجاعی و بویژه اسلامی از طرف دیگر در آن شرکت دارند. چگونه به این مسابقه باید افسار زد و بنظر شما حزب کمونیست کارگری چه نقشی باید در مبارزه علیه تروریسم ایفا کند؟

**منصور حکمت:** پایان دادن به تروریسم کار ماست. کار مایی که برای برابری حقوق و حرمت انسانها و به کرسی نشاندن ارزش آنها تلاش میکنیم. تروریسم دولتی را با بزیر کشیدن دولتهای تروریست باید خاتمه دارد. تروریسم غیر دولتی را باید با پایان دادن به مشقات و تبعیضات و استثمار و اختناق که انسانها را به استیصال سوق میدهد و قربانی جریانات و سازمانهای مرتجع ضد بشری میکند، از بین برد. با افشای مذهب، قوم پرستی، نژاد پرستی و هر ایدئولوژی منحطی که برای انسان احترام قائل نیست. پاسخ ما مبارزه برای ایجاد جوامع باز و آزاد و برابر است که در آن آدمیزاد و جان و حرمت و آسایشش ارزش داشته باشد. حزب کمونیست کارگری و احزابی نظیر ما، با هردو سوی این مسابقه تروریسم مقابله میکنند. با دولتهای مرتجع و با جنبشها و احزاب مرتجع. اما فعلا چهره جهان را آنها ترسیم میکنند. ما و احزابی نظیر ما، باید بشریت نوعدوست و آزادیخواه را علیه کل این اوضاع به میدان بکشیم. و تا چنین نشده، این بساط ادامه دارد.

انترناسیونال هفتگی شماره ۷۱

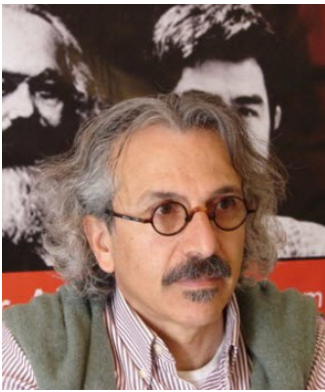
۲۳ شهریور ۱۳۸۰ - ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۱

### آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>

[www.m-hekmat.com/](http://www.m-hekmat.com/)



## ارزیابی از گرایش ضد لنین - ضد منصور حکمت در حزب اکس "کمونیست کارگری"

هیات دائر حزب

علی جوادی، آذر ماجدی، سیاوش دانشور

شکست انقلاب کارگری را در عرصه های سیاسی و اجتماعی و نظری توضیح دهیم. ما علت این تغییر و تحولات را در شکست اقتصادی انقلاب اکتبر در ناتوانی بلشویکها در لغو کار مزدی و مناسبات استثمارگرانه جامعه توضیح میدهیم. این تنها نگرش مارکسیستی در برخورد به تحولات روسیه است.

ما منکر برخی اشتباهات و با سیاستهای غلط و غیر قابل دفاع در دوران اولیه انقلاب روسیه، گیری حکومت کارگری نیستیم. ما هیچگونه توجیهی بر محدود شدن آزادیهای سیاسی و توسل به اعدام در مقابله با ارتجاع هار نیروی های سفید و دول امپریالیستی که یک جنگ خونین و نابود کننده را بر حکومت کارگری تحمیل کردند، نداریم. ما "اعدام انقلابی" نداریم. ما اعدام در شرایط غیر جنگی و جنگی نداریم. ما دفاعی از محدود شدن آزادیها و تنگ شدن فضای سیاسی نداریم، ما پرچمدار آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی هستیم. اما در عین حال توضیح میدهیم که این اقدامات و محدودیتها در دوران اولیه حکومت کارگری محصول شرایط خونین و تحمیل سازشهای سیاسی و اجتماعی بود که جنگ امپریالیستی بر حکومت کارگری اعمال کرد. ما بر این باوریم که اگر "خط لنین" در مباحث تحولات اقتصادی نیمه اول دهه بیست نمایندگی میشد، این تحمیلات و عقب گردا نیز طی پروسه ای توسط جریان بلشویکی - لنینی پس زده میشدند. اما تاریخ تقابل

این گرایشات مورد ارزیابی قرار داده است. نگرش حزب اتحاد کمونیسم کارگری که در برنامه "یک دنیای بهتر"، برنامه حزب اتحاد کمونیسم کارگری منعکس شده است اساسا بر مبنای "نقد سوسیالیستی تجربه شوروی در تقابل با نقدهای دمکراتیک" استوار است، یک نگرش مادی و اجتماعی از تحولات شوروی است. نگرشی که در آن سیاستها و تغییر و تحولات حزب بلشویک و حکومت کارگری بلشویکها را در بستر تحولات و تقابل پیچیده و قهرآمیز دو طبقه متخاصم اصلی جامعه در آن دوران مورد بررسی قرار میدهد. ما لاقیدانه تجربه انقلاب کارگری و تغییر و تحولات بعدی آن را با احکام از پیش صادر شده مورد ارزیابی قرار نمیدهیم. از نقطه نظر ما تجربه عظیم انقلاب اکتبر را نمیتوان با معیار خلوص نظری و ایدئولوژیک و یا اصولیت نظری - تئوریک رهبران آن ارزیابی کرد. برای ما آنچه تعیین کننده است این است که نشان دهیم طبقه کارگر روسیه به رهبری بلشویکها تحت چه شرایط تاریخی و اجتماعی و توسط کدام نیروهای اجتماعی و طبقاتی و در چه پروسه واقعی شکست خورد. و مهمتر برای پیروزی کمونیستی طبقه کارگر اکنون چه باید کرد. این نگرش ما را از گرایشات راست و چپ نویی و یا غیر کمونیستی و ضد کمونیستی رایج کاملا متمایز میکند. برای ما مهم است که توضیح دهیم طی چه پروسه های مادی حزب بلشویک که پرچمدار آزادی های بی قید و شرط سیاسی بود در دوره دوم حکومت روسیه، در فردای پس از شکست انقلاب اکتبر، عملا یک تعرض خونین را به طبقه کارگر و رهبران کمونیسم سازمان داد. برای ما مهم است که علل مادی تحولات روبنای سیاسی جامعه یعنی تحولات فکری، نظری، اداری، حقوقی و مشخصا انحطاط و

جستجو میکند یک گرایش ضد کمونیستی میدانیم. ما گرایشی را که استالین را ادامه لنین میداند یک گرایش ضد کمونیستی ارزیابی میکنیم. ما گرایشی را که حکومت کارگری را که به لحاظ تئوریک در مارکسیسم به این اعتبار که هیچ حکومتی، حتی حکومت کارگری، حکومت مافوق طبقاتی نیست، "دیکتاتوری پرولتاریا" نامیده شده، شارلاتان وار یک حکومت استبدادی قلمداد میکند، گرایشی ضد کمونیستی میدانیم. حکومت کارگری "دولت اکثریت استثمار شده جامعه برای دیکته کردن حکم آزادی و برابری انسانها به طبقات استثمارگر و فائق آمدن بر تلاشها و توطئه های آن هاست. از نظر شکل، حکومت کارگری یک دولت آزاد است که تصمیم گیری و اعمال اراده مستقیم خود توده وسیع مردم کارگر و زحمتکش در جامعه را سازمان میدهد." (یک دنیای بهتر). ما گرایشی که مارکسیستهای ارتدوکس و کمونیستهای مدافع مارکس و منصور حکمت را "مارکس الهی" و "حکمت الهی" و "مشتی چماقدار" میداند، یک گرایش حقیر ضد کمونیستی و ارتجاعی میدانیم. اما تا آنجا که به صورت ظاهر مباحث این گرایش برمبگردد باید به نکات متعددی اشاره کرد:

تاریخا گرایشات متعددی از جانب راست، دمکراسی خواهی، چپ رادیکال و یا چپ نو به نقد تجربه شوروی پرداخته اند. کمونیسم کارگری و مشخصا منصور حکمت نیز این تجربه را نیز از یک دیدگاه سوسیالیستی در تمایز با تمامی

یک دنیای بهتر: این اواخر گرایشی در درون حزب اکس "کمونیست کارگری" مباحثی پیرامون "ضدیت" لنین با "آزادی بیان" و "اعدامها" در دوران حکومت بلشویکها مطرح کرده است. این گرایش استالین را ادامه لنین دانسته و شکست حکومت کارگری را "نتیجه" منطقی سیاستهای لنین و ناشی از "محدود" شدن آزادی بیان و آزادی فعالیت اپوزیسیون در این دوران میداند. نظر هیات دایر حزب در این زمینه چیست؟ چه ارزیابی ای از جایگاه عمومی این مباحث دارید؟

علی جوادی: سربلند کردن گرایش ضد لنینی - ضد منصور حکمت در این حزب نه یک اتفاق یا تصادف بلکه یک محصول چرخش همه جانبه این جریان به راست و تغییر مکان اجتماعی و سیاسی و فکری آن است. این گرایش در عین حال دارای تشابهات روشنی با خط راست و بورژوازی حاکم بر این حزب، خط حمید تقوایی، دارد. ما این خط را یک گرایش سیاسی راست، غیر مارکسیستی - غیر کمونیستی میدانیم که به نحو مضحکی پرچم رنگ باخته و بی مقدار تعرض ایدئولوژیک - سیاسی به کمونیسم کارگری و انقلاب کارگری را، اینبار در درون حزب موسوم به کمونیست کارگری، در دست گرفته است. این پرچم جنگ سرد است که با سقوط بلوک سوسیالیسم کاذب و بورژوازی شوروی و پیروزی بلوک غرب ابعاد گسترده و گوشخراشی بخود گرفت.

ما گرایشی که دلایل عروج استالین و شکست خونین انقلاب اکتبر را در خود رهبران راستین انقلاب کارگری و مشخصا لنین

## ارزیابی از گرایش ضد لنین - ضد منصور حکمت در حزب اکس "کمونیست کارگری" ...

جنبشهای اجتماعی به گونه دیگری رقم خورد.

ما بر خلاف این گرایش ضد لنینی، لنین را رهبر صالح بزرگترین و مهمترین انقلاب کارگری دنیای معاصر میدانیم. برای ما لنین، علیرغم برخی تفاوت‌های نظری-سیاسی، "نماینده پرشور برابری و آزادی و انسانیت بود. دیکتاتوری و بوروکراسی و سرکوب ملی و صف نان و گوشت را با هیچ توجیهی نمیشود به لنین چسباند." و یا اینکه ظاهراً "اینها فراموش میکنند که در روز خودش، در مقطع انقلاب اکتبر، حتی خود بورژوازی علناً به مقام لنین بعنوان یک انقلابی آزادیخواه و عدالت طلب اذعان کرده است." بنظر ما هم "هر کس که به سوسیالیسم نه بعنوان یک ایده آل تزئینی، بلکه بعنوان یک امر عاجل و عملی نگاه میکند، برای هر کس که به تحقق عملی سوسیالیسم و انقلاب کارگری فکر میکند، لنین بعنوان یک متفکر و رهبر سیاسی همواره یک منشاء غنی آموزش و الهام خواهد بود." (منصور حکمت)

**یک دنیای بهتر:** اجازه دهید نگاهی به فعل و انفعالات درون حزب اکس "کمونیست کارگری" بیندازیم. چه ارزیابی ای از این مباحث در درون این حزب دارید؟ چرا این مباحث اکنون در این حزب به یک مشغله سیاسی جدی تبدیل شده اند؟ این کشمکشها در کجای تغییر و تحولات و پوست اندازی حزب اکس "کمونیست کارگری" قرار میگیرد؟ از طرف دیگر پرچمدار این گرایش ضد لنین - ضد منصور حکمت خود را در ادامه مباحث "ایدئولوژی زدایی" حمید تقوایی تعریف میکند. نظر هیات دایر در این زمینه چیست؟

**انر ماجدی:** رهبری این حزب یک روند سریع به سمت راست را طی کرده است. روندی که در چند سال پیش ظلیعه های آنرا ما مورد نقد قرار دادیم و نسبت به نتایج آن هشدار دادیم، اکنون کاملاً طی شده است. ما در سال 2006 اعلام کردیم که رهبری حزب روند "عبور از منصور حکمت" را آغاز کرده است. در آن زمان، مشخصاً در پلنوم 26 این حزب، این نقد و هشدار ما با هیاهو و عکس مار کشیدن مواجه شد. نقدهای ما به شکلی شنیع، سطحی و با ترور شخصیت پاسخ گرفت. ما را متهم کردند که داریم به بخشی از رهبری، بویژه حمید تقوایی اتهام می زنیم و در پی این "اتهامات" اهداف شخصی و قدرت طلبانه را دنبال می کنیم. در آن مقطع نقد های ما از راست روی حمید تقوایی و شرکایش در رهبری با دماغوژی محض پاسخ گرفت. حتی یک پاسخ منطقی و مارکسیستی ارائه نشد. در عوض "یاران رهبر" به صف شدند تا در یک فضای خلسه اعلام وفاداری، جلوی هر گونه نقد را سد کنند.

اما اکنون 4 سال پس از آن تاریخ می توان مشاهده کرد که نقدهای آن روز ما تا چه حد عمیق بود و هشدارهای ما تا چه میزان واقعی. راستش در آن زمان ما حتی تصور نمی کردیم که خط حمید تقوایی و شرکاء، حزب کمونیست کارگری را به موقعیت کنونی رهنمون شود. حزبی که از هر گونه علقه مارکسیستی پاک شده است. رهبری ای که اکنون کسانی که با استحکام از مارکسیسم و کمونیسم منصور حکمت دفاع می کنند، "فرقه های ایدئولوژیک" می خوانند. ارتدوکسی مارکسیستی، تعلق

و پیروی از خط منصور حکمت از جانب این حزب اکنون با تمسخر و ریشخند روبرو می شود و "شارلاتانیسم" خوانده می شود.

ما مدتی پیش به این رهبری هشدار دادیم که مسیری که انتخاب کرده اند سر از حزب توده و راست ترین گرایشات در می آورد. و اکنون می بینیم که دقیقاً همین اتفاق رخ داده است. شتاب راست روی و تحویل دادن حزب به بورژوازی آنچنان سریع بوده است که همه را حیرت زده کرده است. حزبی که از زمان تاسیس اش تا زمان حاکم شدن خط حمید تقوایی، رادیکال ترین گرایش کمونیسم و مارکسیسم را نمایندگی می کرد، نبض حرکات اپوزیسیون را در دست داشت و بدون اغراق انسجام و رادیکالیسمش، احترام اپوزیسیون از راست و چپ را برانگیخته بود. حزبی که زمانی که اکثر جریانات چپ بین المللی پرچم مارکسیسم و کمونیسم را به زمین انداخته بودند و در وصف دموکراسی قلم فرسایی می کردند، با به اهتزاز درآوردن پرچم کمونیسم و مارکسیسم تاسیس شد و در سخت ترین دورانی که رسانه ها و ایدئولوگ های بورژوایی از مرگ مارکس، لنین، سوسیالیسم و کمونیسم سخن می راندند و "پایان تاریخ" را به هم طبقه ای های شان نوید می دادند، با شجاعت و صراحت قابل تحسینی اعلام کرد که این یک دوره گذرا است و دوران فریب بزودی به سر می رسد.

حزبی که با سری افراشته در دفاع از سوسیالیسم و کمونیسم اعلام کرد: "این پایان سوسیالیسم نبود، اما سرنخی بود به اینکه پایان سوسیالیسم واقعا چه کابوسی میتواند باشد و دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم، به چه منجلابی بدل میشود. معلوم شد جهان، از حاکم و محکوم، سوسیالیسم را با تغییر نداعی میکند. پایان سوسیالیسم را پایان تاریخ خواندند. معلوم شد پایان سوسیالیسم پایان توقع برابری است، پایان آزاد اندیشی و ترقی خواهی است، پایان توقع رفاه است، پایان امید به زندگی بهتر برای بشریت است. پایان



سوسیالیسم را حاکمیت بلامنازع قانون جنگل و اصالت زور در اقتصاد و سیاست و فرهنگ معنی کردند. (منصور حکمت، تاریخ شکست نخوردگان).

و اکنون میتوان دید که این سخنان بسیار عمیق در توصیف جایگاه سوسیالیسم و نتیجه تاریک حذف آن، چگونه در مورد سرنوشت و موقعیت کنونی ح ک ک نیز صادق است. چگونه دگرذیبی سیاسی - ایدئولوژیک و تغییر مکان اجتماعی این حزب با حاکمیت ابتدال سیاسی بر آن و اتخاذ سیاست های راست و ارتجاعی منطبق است. تقوایی و شرکاء پرچم عبور از منصور حکمت را بدست گرفتند تا درافزوده های راست و پوپولیستی خویش را بخورد حزب، جامعه و طبقه کارگر بدهند. در واقع سیاست پوپولیستی، شلختگی تئوریک، و اپورتونیسم پراگماتیستی مشخصه این خط نمی توانست نتیجه ای غیر از اینکه شاهدیم بیارورد. راست روی تا حد سقوط به یک جریان حقوق بشری که خواهان برقراری حکومتی است که بیانیه حقوق بشر را پیاده کند، یک نتیجه اجتناب ناپذیر خط سیاسی - ایدئولوژیک تقوایی و شرکاء است.

آنچه ما اکنون در این حزب تحت حملات راست روانه و جنگ سردی به لنین شاهدیم، اعلام رسیدن به پایان خط دگرذیبی سیاسی - ایدئولوژیک و تغییر تمام و کمال مکان اجتماعی این حزب است. حزب به مقصدی که رهبری آن برای آن رقم زده بود رسیده است.

## ارزیابی از گرایش ضد لنین - ضد منصور حکمت در حزب اکس "کمونیست کارگری" ...

حملات شنیع، اتهامات دروغین و جنگ سردی به لنین یک هدف سیاسی کاملاً روشن دارد. اتفاقی نیست. یک غور فکری در تاریخ نیست. حمله کننده یک شبه خواب نما نشده است. این سیاست اکنون چند سالی است که در این حزب در حال تخمیر است. امروز ایشان دارد رسیدن به مقصد را خبر می دهد.

یک نگاه سریع به گذشته یک سال و اندی این حزب این تصویر و روند را بخوبی نشان می دهد. در عرصه نظری - سیاسی، رهبری این حزب از اصلاح طلبان حکومتی دفاع مشروط کرد؛ موسوی و شرکاء را در میان "نیروهای سازشکار انقلاب" قرار داد؛ از قول مردم قول داد که اگر موسوی با احمدی نژاد و خامنه ای مقابله کند در میان مردم جای دارد. شعار استراتژیک حزب: آزادی، برابری، حکومت کارگری را به حکومت انسانی و جمهوری انسانی بدل کرد. بجای انقلاب کارگری یعنی استراتژی اصلی و پایه ای کمونیسم کارگری، برنامه اصلی این حزب، مانیفست کمونیسم و مارکسیسم، انقلاب انسانی را قرار داد. و بالاخره در دفاع از تمام این راست روی های سیاسی - نظری - ایدئولوژیک در یک سمینار، حمید تقوایی کسانی که این دگرذیبی، راست روی و عبور از مارکس و منصور حکمت را مورد نقد قاطع قرار داده بودند، "فرقه ایدئولوژیک" خواند و علیه مخالفین درون حزب شاخ و شانه کشید.

در عرصه عملی طی این یک سال و نیم، این حزب هر روز از روز پیش بیشتر به راست نزدیک شده است. اتحاد عمل های اعلام نشده با ناسیونالیسم پرو غرب و سبزه های اصلاح طلب حکومتی رسماً بعد از تسویه حساب رهبر

با حزب، بشکل علنی و رسمی انجام گرفت و با تشویق شدید اپوزیسیون راست مواجه شد. هر گونه شعاری که نشانی از سوسیالیسم و انقلاب کارگری داشت از تظاهرات و آکسیون های آنها حذف شد. شعارهایی از قبیل "ایران را آزاد کنید" یعنی شعار های ناسیونالیسم پرو غرب به شعارهای اصلی آنها بدل شد. ابتدا پرچم های سرخ بطور خجولانه و در سکوت کنار گذاشته شد. اکنون دیگر رسماً و علناً و با افتخار کامل پرچم سفید بدست می گیرند و در مقابل نقد ما اعلام می کنند که: از جانب جریانات راست مورد فشار هستند که تحت پرچم سرخ خیلی کشتار شده است، پس آنها تصمیم گرفته اند که بجای پرچم سرخ، پرچم سفید بدست گیرند. این حزب در مقابل بورژوازی و راست پرچم سفید بلند کرده است و سنگرهای سرخ، سوسیالیستی و کارگری را کاملاً ترک کرده و به زمین راست منتقل شده است.

مباحثات اخیر، لجاجت پرچمدار آن در ادامه و پیشروی مبتذلانه این مباحث را باید در این متن انتقال و دگرذیبی سیاسی و ایدئولوژیک و جنبشی این حزب دید. این مباحثات معنای سیاسی - ایدئولوژیک بسیار مهمی دارد. در پس این مباحث این اعلام و سمبل ها را باید تشخیص داد و پرونده این حزب را کاملاً بست و پیوندشان را با بورژوازی و راست پذیرفت. بمنظور رعایت انصاف، باید اعلام کرد که حملات زشت و توده ایستی "حکمت الهی" یا "مارکس الهی" از ابداعات گوینده اخیر آن نیست. این ابداع برای اولین بار در این حزب توسط حمید تقوایی انجام گرفت. ایشان بود

که در سمینار "حزب سیاسی" اخیرش مارکسیست های ارتدوکس و کمونیست هایی که به تئوری و ایدئولوژی مارکسیسم اعتقاد و تعهد دارند و خط منصور حکمت را دنبال می کنند، به سبک حزب توده "تربچه های توخالی" خواند و به سبک حزب الله در سال های 57-1359 آنها را به ریشخند گرفت. چراغ سبز تمام این راست روی ها، این ابتذال سیاسی و زبانی، این حملات جنگ سردی را رهبر این حزب حمید تقوایی داده است.

در مورد مقوله "ایدئولوژی زدایی" لازم است نکته ای را اشاره کنیم. "ایدئولوژیک" اکنون اسم رمز حمله به چپ و به کمونیسم کارگری است. اکنون تمام گرایشات بورژوازی از ملی اسلامی تا ناسیونالیسم پرو غرب در عرصه وطنی و تمام ایدئولوگ ها، آکادمی و میدیای چکمه لیس بورژوازی در عرصه بین المللی با همین مضمون و با هدف حمله به کمونیسم، طبقه کارگر و هر گونه برابری طلبی و عدالت جویی کارگری و چپ این لفظ را مورد استفاده قرار می دهند. قرار است با زدن این مهر بر پیشانی چپ و کمونیسم آنرا خلع سلاح کنند و به راست سوق دهند. رهبری ح ک ک نیز با همین هدف از این لفظ استفاده می کند. خود به درگاه بورژوازی تسلیم شده است و برای دفاع از راست روی خود، کمونیست های کارگری را "فرقه ایدئولوژیک" می نامد. این نه "خلاصی" این حزب از ایدئولوژی، بلکه نشانه دگرذیبی ایدئولوژیک این حزب است: پذیرش ایدئولوژی راست و حقوق بشری.

آنچه در مباحث اخیر شاهد بودیم، یک نقطه عطف در جهاد ضد کمونیسم کارگری و "عبور از منصور حکمت" در ح ک ک است. توسل به لفظ "ایدئولوژیک" و تلاش برای فرقه ایدئولوژیک قلمداد کردن منقد کمونیست کارگری از سیاست ها و خط راست حاکم بر ح ک ک، یک تلاش مذبحخانه و بیانگر عمق راست روی، عبور از مارکس و منصور حکمت و ابتذال سیاسی این حزب است. انتقال جنبشی -

ایدئولوژیک این حزب و رهبری آنرا باید در مقابل جامعه قرار داد. ما در مقابل لجن مال کردن لنین و اتهامات به منصور حکمت قاطعانه خواهیم ایستاد. کمونیسم کارگری منصور حکمت تنها پاسخ رهایی طبقه کارگر و اکثریت مردم زحمتکش جامعه از سرکوب، اختناق، فقر و استثمار است. تنها راه دستیابی به آزادی، برابری و رفاه، این خواست پایه ای مردم، است.

**یک دنیای بهتر:** از قرار این فضا به جریان راست ضد کمونیسم منصور حکمت فرجه ای برای تحرک داده است. این گرایش درون حزب اکس "کمونیست کارگری" را ادامه سیاستهای منصور حکمت قلمداد میکنند. بهمین شفیق و عده تلاشهای دست راستی بیشتری در این زمینه را داده است. ارزیابی شما از تعرض این جریانات به کمونیسم منصور حکمت چیست؟ تحرک این جریانات و سیاستهای کنونی آنها را چگونه ارزیابی میکنید؟ این تقلاها را چگونه باید افشاء کرد؟

**سیاوش دانشور:** به نظر من درک درست خود این "فضا" و اینکه به چه جواب میدهد مهم است. از همان ابتدا برای ما روشن بود و گفتیم که حمله به لنین و تشبیه او با بدترین نمونه ها و حتی جمهوری اسلامی، نمیتواند بدون حمله به منصور حکمت معنی پیدا کند. تهاجم ضد لنینی آنها در حزبی که بنیانگذارش آنرا در وسط سنت لنینی تعریف میکند، نمیتواند منصور حکمت را بی نصیب سازد. تهاجم ضد لنینی در این حزب بطور واقعی ادامه سیاست "عبور از منصور حکمت" است. از موضع دموکراسی به "دیکتاتوری لنین" و "دیکتاتوری پرولتاریا" حمله کردن چیزی نیست جز تلاشی برای تبیین گوشه دیگری از سیمای سوسیالیسم حقوق بشری شان. بدوا باید دندان انقلابیگری و کمونیسم کشیده شود تا بتوان تهاجم به لنین

## ارزیابی از گرایش ضد لنین - ضد منصور حکمت در حزب اکس "کمونیست کارگری" ...



مانع اول هر کسی است که می‌خواهد کمونیسم را در ایران با چهارچوب دیگری طرح کند.

نقد منصور حکمت نه ممنوع است و نه بی جواب میماند. همانطور که تعرض به لنین و نفس انقلابیگری و حقانیت انقلاب اکتر بی پاسخ نمیماند. واقعیت اما اینست پدیده هائی مانند منصور حکمت را نمیتوان پارتیزانی و با اتکا به چهار جعل نقد کرد. نقد منصور حکمت یعنی تبیین یک کمونیسم دیگر، کمونیسمی رادیکال تر و کارگری تر و مارکسی تر، و به کرسی نشاندن آن بعنوان کمونیسم رایج در آن مملکت و ابعادی فراتر از نفوذ و آتوریت فکری ای که دیدگاههای منصور حکمت بطور کلی دارد. اگر کسی می‌خواهد منصور حکمت را "رفع" کند، باید کالیبر و شهامت و توانائی اینکار را داشته باشد. امثال ایشان هنوز نتوانستند یک محفل پنج نفره درست کنند، هنوز یک بحث شان به حرف گوشه ای از فعالین سوسیالیست تبدیل نشده است، هنوز نمیتوان رد پای دخالتگری و صلاحیت امثال این "فعالین کارگری" را در سازماندهی یک اعتصاب کوچک کارگری دید. ایشان اینکاره نیست. این نوع "منتقدین" اگر از این ظرفیتهای داشتند یک دهه کافی بود تا گوشه کوچکی از آن را بروز دهند.

ما حزب مدافع مارکس و منصور حکمت هستیم و قاطعانه از این خط دفاع می‌کنیم و برای تبدیل آن به یک قدرت واقعی اجتماعی و کارگری تلاش می‌کنیم. ما هر بحث و نقد سیاسی را با بحث و نقد سیاسی

کرد. در بیرون حزب و بویژه کسانی که احساس میکنند منصور حکمت مانع آنست که آنها جایی را تحت عنوان کمونیسم اشغال کنند، چسپاندن هر ناحق و دروغی به منصور حکمت کارشان و تصفیه حساب شخصی با گذشته موتور محرکه شان است. همانطور که در حکک کسانی پیدا میشوند که بگویند "استالین ادامه لنین است"، عده ای هم بیرون این حزب هستند که سیاست و عملکرد راست امروز حزب "کمونیست کارگری" را "ادامه سیاستهای منصور حکمت" میدانند. اینها بعضا با هم دشمن هم هستند اما علیه منصور حکمت اتحاد دارند و فرمولهای مشترکی را بدست میدهند. از عمق شگرف این جماعت یک مثال عبارت من درآوردی "کمونیسم مادونائی" از موضع شرقی و ملی اسلامی در "نقد منصور حکمت" است. برای این طیف سوال و هدف اصلی به شکست کشاندن کل پدیده کمونیسم کارگری و نظریه پردازش منصور حکمت است و این فرصت را غنیمت شمرده اند تا جست و خیزی سازمان دهند.

امثال بهمن شفیق و صالحی نیا حق دارند هرچه می‌خواهند بنویسند و پرچمدار جهاد ایدئولوژیک "رفع" منصور حکمت و یا "رفع" لنین باشند. ما هم به تناسب وزن و اعتبار و توجهی که این بحثها جلب میکند آگاهانه در آن شرکت و از کمونیسم مارکس و منصور حکمت دفاع می‌کنیم. اما بهمن شفیق با هیچ تلاشی نه میتواند موضع دو خردادی اش در جریان استعفاهای سال ۹۹ را روتوش کند و نه میتواند با چهارچوب سوسیالیسم دو خردادی خدشه ای به کمونیسم منسجم و انقلابی- پراتیکی منصور حکمت وارد کند. این معرکه ضد لنینی که با یک اختلاف فاز ۱۵ ساله با همان ادبیات و استدلالهای آنتی کمونیسم کلاسیک راه افتاده است، معلوم است که زبان عده ای که در دوره منصور حکمت خاموش بودند را باز میکند. بهمن شفیق هم بعد از ۱۲ سال پادش افتاده که باید منصور حکمت را نقد کرد و کنار گذاشت. دراین آرزوی بهمن شفیق البته تعداد بیشتری شریک اند. منصور حکمت هنوز

مهم است که به اردوی راست نشان داد که این در این حزب تصویری ضد لنین وجود دارد و درست مانند راستها "لنین و استالین را یکی میدانند". مهم است که نشان داد دراین حزب ضدیت با هر نوع پایبندی به اصول و سیاستها و کمونیسم انقلابی لنین و منصور حکمت وجود دارد. مهم است که نشان داد کاراکتر عضو و کادر جدید این حزب به عنوان "سوسیالیست"، یک شخصیت سیاسی پخته و شبه دمکرات و ژله ای است که اول خودش رهبران جنبش اش را جلو چشم همه دراز میکند! حتی حاضر است واژه جدید برای ادبیات راست ضد کمونیست کشف کند و طرفداران پر و پاقرص مارکس و منصور حکمت و لنین را با "حزب الهی" تبیین کند! اینها شاگردان جدید راهی اند که قبلیتر دستکم در ایران توده ایسم و بقایای جریانات پرو شوروی سابق رفتند و هنوز با همین زبان علیه کمونیسم و لنین حرف می‌زنند. صالحی نیا و تقوائی و تعدادی دیگر در آن حزب در اساس یک حرف دارند، تفاوت اینست که صالحی نیا از دیگران جلو زده است. این کمپین گوشه ای از سیر تحول این حزب و خانه تکانی از بقایای یک سنت سوسیالیستی و متکی شدن به یک سنت بورژوائی است.

آنهایی که این سیاستها را چه در درون این حزب و چه بیرون آن، "ادامه سیاستهای منصور حکمت" قلمداد میکنند، در قبال منصور حکمت سیاست واحدی دارند. در درون حزب هدف اصلی "عبور از منصور حکمت" است اما باید این روند سیاسی "ادامه سیاستهای منصور حکمت" قلمداد شود تا بخشی از مخالفین درونی را ساکت

و منصور حکمت و مارکس را در یک "حزب کمونیستی" رایج کرد. در واقعیت بیرونی اما پدیده جدید و دندانگیری ظهور نکرده است، به صفی که طی دو دهه گذشته با تبری جوئی از کمونیسم و انقلابیگری و تاسی به دمکراسی و بازار میشناختیم، آدماهی جدیدی اضافه شدند. اگر این قیل و قال کهنه از درون یک حزب سابقا کمونیستی کارگری سربلند میکند، تنها به این دلیل است که در آن حزب هر نوع به سمت راست رفتن مستلزم تهاجم به لنین و منصور حکمت است و خود حزب دراین پروسه دارد سیمای جدیدش را ترسیم میکند.

مسئله نه برسر تبیین آزادی است و نه برسر سیاست اعدام. اینها سوال اصلی و صورت مسئله نیستند. دراین حزب کسی پرچم دفاع از اعدام را بلند نکرده است. در چپ ایران که سهل است، در راست ایران هم امروز عموما حال بعضا با تصره هائی با اعدام مخالف اند. بحث اعدام توسط اپوزیسیون یا دولت کارگری فردا هم بحث روی میز کسی نیست. همینطور این بحث یک جمع بندی انتقادی و متمایز از انقلاب اکتر و دلایل شکست آن بطور مستقل و روی پای خودش نیست. بحث اعدام مخالفین در انقلاب روسیه و نیش قبر دمکراتیک و شبه تروتسکیستی از تحولات شوروی و زمینه های شکست انقلاب اکتر، یک جمع بندی دیگر از دلایل شکست نهائی انقلاب اکتر از موضع جنبش طبقه ما در روسیه و با فرض حقانیت لنین و بلشویکها و انقلاب اکتر بطور کلی نیست.

این یک بازیابی و "دگر اندیشی" جدید و دیر آمده از موضع راست ضد لنین است که به سهم خود دارد به مسیر جدید سیاسی این حزب شکل میدهد. در این مسیر



## علیه گرانی و فقر! وظایف فوری کمونیسم و طبقه کارگر

اینست که شورش علیه فقر و گرسنگی، بدون سازمان و بدون رهبری و بدون تشکل و آمادگی و افق روشن سیاسی در مقیاس سراسری، به تحرک و اعتراضی کور تبدیل میشود. نتیجه چنین وضعیتی، علیرغم حقانیتی که دارد، سرکوب و شکست است. ارکان سیاست و تاکتیک حزب در مواجهه با این اوضاع، متشکل کردن توده طبقه کارگر و مردم گرسنه علیه فقر و فلاکت، ترسیم افق و تامین سازمان و رهبری، بعنوان سه رکن مهم تضمین پیشروی و پیروزی است. تبدیل شورش کور به شورش آگاهانه و سازماندهی اعتراض علیه وضعیت موجود درگرو تامین این سه رکن اساسی است.

۶ - کمونیسم و طبقه کارگر باید در راس مبارزه علیه فقر و گرسنگی و وضعیت فلاکت‌آلود اقتصادی قرار گیرند. در این مبارزه یک هدف استراتژیک ما خارج کردن کنترل پروسه تولید و توزیع کالاها و اقلام مورد نیاز پایه ای مردم از مکانیزم و تسلط بازار است. دسترسی و برخورداری از غذا و آموزش و بهداشت و سلامتی، نه یک امتیاز ویژه طبقات دارا، بلکه حق پایه ای همگان و هدف عمومی ما در این مبارزه است. هر انسانی به محض چشم گشودن به این جهان باید از تمامی نیازهای انسانی برخوردار شود. از اینرو مبارزه برای وادار کردن دولت سرمایه به دادن سوبسید به اقلام مورد نیاز زندگی مردم و تامین بیمه های اجتماعی رکن دیگر سیاست ماست.

ایجاد سازمانهای توده ای علیه فقر، برگزاری مجامع عمومی کارگری در مراکز مهم تولید مواد غذایی و نیازهای مردم، برگزاری مجامع عمومی در محلات کارگری و فقر زده، سازمان دادن ایجاد شبکه های متنوع علیه گرسنگی و فقر، شرط اساسی پیشبرد چنین استراتژی و سیاستی است. باید در هر گوشه جامعه پرچمی علیه فقر و فلاکت اقتصادی

طبقه کارگر، نظام سرمایه داری را مسبب مستقیم فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی و گرسنگی و مصائب اجتماعی ناشی از آن میدانند. رژیم اسلامی، حکومت مثنی کانگستر سیاسی- نظامی و باندهای اقتصادی مافیائی است که بر تمام امکانات جامعه جنگ انداخته اند. مساله این نیست که گویا "مافیای اقتصادی" نمیگذارد دولت کارش را بکند و نتیجتاً این وضعیت پیش آمده است. این حکومت مافیایی سرمایه و اسلام در ایران است. سران رژیم اسلامی خود از بزرگترین سران مافیای اقتصادی در ایران هستند. کارگران و مردم گرسنه در این جدال نباید به دنبالچه کشمکش و رقابت بخشهای مختلف سرمایه تبدیل شوند. کمونیسم و طبقه کارگر بر استقلال طبقاتی اش از سرمایه و جناحهای دولتی و غیر دولتی بورژوازی، بر جنبش و راه حل مستقل اش، و بر مطالبات و نیازهای فوری خود و اکثریت عظیم مردم در مقابله با این اوضاع تاکید میکند. مبارزه علیه فقر، در عین حال که مبارزه ای برای رفع نیازهای فوری کارگران و مردم است، در عین حال جبهه مهمی از مبارزه علیه حکومت و قدرت سیاسی و اقتصادی سرمایه در ایران است. این دوره ای است که بیش از هر زمان کارگر و اعتراض و مطالبات کارگری جایگاه مهمتری در سیاست و نگرش و سمتگیری سیاسی توده مردم مخالف رژیم اسلامی پیدا میکند.

۵ - مبارزه و اعتراض علیه این شرایط دهشتناک یک واقعیت انکار ناپذیر است. اعتراض و شورش علیه وضعیت موجود یکی از اشکال محتمل اعتراض در چنین وضعیتی است. اما در این شرایط مخاطراتی مبارزات طبقه کارگر و جنبش آزادی و برابری و رفاه را تهدید میکند که کمونیسم و کارگران پیشرو و سوسیالیست باید آنها را بشناسند و راه حل واقعی و عملی در مقابل آن ارائه دهند. واقعیت

اسلامی برای بزانو درآوردن کارگران و مردم زحمتکش است.

۳ - نه فقط جمهوری اسلامی، بلکه دیگر نیروهای بورژوائی اپوزیسیون نیز راه حلی ریشه ای برای نابودی فقر ندارند. وعده بهبود این اوضاع را نمیدهد، بلکه چند نسل از کارگران را به جان کندن برای بازسازی سرمایه داری و "خرابیهای ناشی از عملکرد حکومت اسلامی" فرا میخواند. جریانات ملی-اسلامی اپوزیسیون مسئله فقر و گرانی را ابزاری در خدمت جنگ جناحی می بینند و عموماً سیاستهای ناسیونالیستی را مطرح میکنند. برخی از جریانات "چپ رایکال" یا گسترش فقر را ابزاری در خدمت شورش و عصبان مردم علیه رژیم تلقی میکنند یا با طرح سیاستهای آنارکوپاسیفیستی از سازماندهی توده ای و کارگری علیه فقر طفره میروند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری مبارزه علیه فقر و فلاکت و گرانی را مبارزه ای حیاتی علیه نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی و جزیی از مبارزه بیوقفه برای بهبود دائمی معیشت طبقه کارگر و مردم میدانند. بدرجه ای که طبقه کارگر و جنبشهای اعتراضی بتوانند حاکمیت سرمایه و رژیمشان را در تحمیل فقر و فلاکت بیشتر عقب برانند، به همان درجه شرایط برای سرنگونی رژیم اسلامی و برپایی یک انقلاب عظیم کارگری علیه وضع موجود فراهم تر میشود.

۴ - حزب اتحاد کمونیسم کارگری و جنبش سوسیالیستی

۱ - گسترش فقر و فلاکت، گرسنگی و سوتغذیه، گرانی سرسام آور و ناتوانی اکثر مزدبگیران جامعه از تامین نیازهای پایه ای خویش، گسترش بیکار سازیها و اخراج گسترده کارگران، افزایش کار قراردادی و سفید امضا، گسترش وسیع شرکتیهای پیمانی که کمترین دستمزدها را به کارگر میپردازند، فقدان سیستم رفاه اجتماعی و عدم دسترسی مکفی به بهداشت و درمان و آموزش و مسکن، جامعه را در آستانه یک بحران عمیق سیاسی و اجتماعی قرار داده است. در شرایطی که فقر و گرانی کمر مردم را خرد کرده است، و مردمی ناراضی و منزجر هر روز بیشتر قربانی این اوضاع میشوند، شورش گرسنگان علیه وضع موجود یک چشم انداز واقعی است. وظیفه فوری جنبش کمونیستی کارگران، سازماندهی این پتانسیل اعتراضی طبقه کارگر و مردم زحمتکش و تبدیل آن به جنبشی خودآگاه و انقلابی علیه سرمایه داری و نظام اسلامی حاکم است.

۲ - با تشدید گرانی و گسترش فقر و بروز پیامدها و مصائب اجتماعی ناشی از آن، جناح های مختلف بورژوائی تلاش میکنند یکدیگر را مسبب این اوضاع فاجعه بار قلمداد کنند. تز مقابله با "مافیای اقتصادی"، نقد به "واردات بی رویه"، سیاست "حمایت از تولیدات داخلی" و کلا دیدگاههای ناسیونالیستی و پروتکشنیستی، نه نسخه ای برای درمان این اوضاع بلکه تلاشی آگاهانه برای خارج کردن مسبب واقعی این وضعیت، یعنی نظام سرمایه داری و کل حکومت مرتجع اسلامی از تیررس تعرض و اعتراض کارگران و مردم گرسنه است. در عین حال طرح این سیاستها تلاشی برای پاسحگویی به فشار پائینی ها از جانب بالائی ها است که به سهم خود به جدال درون حکومتی برسر کنترل اوضاع و نفس بقای حکومت دامن میزند. جمهوری اسلامی نه میخواد و نه میتواند این اوضاع را تخفیف دهد. تحمیل فقر و فلاکت یک سیاست رژیم

رادیو ماهواره ای ۲۴ ساعته

## یک دنیای بهتر

رادیو ۲۴ ساعته "یک دنیای بهتر" برنامه های رسمی خود را از طریق ماهواره و اینترنت از امروز ۱۳ مرداد ۱۳۸۹ برابر با ۴ اوت ۲۰۱۰ آغاز کرده است. لطفا مشخصات رادیو را به اطلاع عموم برسانید و ما را از کیفیت پخش مطلع کنید.

مشخصات رادیو ماهواره ای یک دنیای بهتر:

Satellite: TelStar 12 , Transponder: 10 ,  
Horizontal: QPSK 2/3 , Symbol Rate:  
19279

سایت رادیو:

<http://www.wupradio.org>

ای میل جدید رادیو:

[wup1917@mail.com](mailto:wup1917@mail.com)

"صدای کمونیسم کارگری" برنامه حزب اتحاد کمونیسم کارگری هر شب ساعت ۹ به وقت تهران از کانال رادیو یک دنیای بهتر پخش میشود.

به "صدای کمونیسم کارگری"، صدای کارگران کمونیست، صدای آزادیخواهی و برابری طلبی زنان و نسل جدید، صدای متعهد به حقیقت و مقابله با خرافات و ارتجاع سیاسی، صدای مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد یک جامعه آزاد و خوشبخت سوسیالیستی گوش کنید و شنیدن آن را به دوستانتان توصیه کنید.

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم، بدون

"خطر" سوسیالیسم، به چه

منجلاپی تبدیل میشود!

منصور حکمت

## علیه گرانی و فقر! وظایف فوری کمونیسم و طبقه کارگر ...

برافراشت.

۷ - حزب اتحاد کمونیسم کارگری توجه پیشروان طبقه کارگر، رهبران سوسیالیست و کمونیست طبقه، فعالین اردوی آزادی و برابری و رفاه را به این اوضاع خطیر جلب میکند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را به متشکل شدن و مقابله با موج فقر و فلاکت و گرانی علیه نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی فرامیخواند!

مصوب پلنوم سوم حزب به اتفاق آراء،

ژوئن ۲۰۰۸

## ارزیابی از گرایش ضد لنین - ضد منصور حکمت در حزب اکس "کمونیست کارگری" ...

جواب میدهم. در عین حال هیچ تحریف و ترور شخصیت را بی پاسخ نخواهیم گذاشت. انقلاب اکتبر و لنین و حزب بلشویک جنبش پر افتخار طبقه ما بود و دستاوردها و کمبودهایش هم بعهده طبقه ماست. از نظر ما جنبش و حزب کمونیستی کارگری جنبش تکرار انقلاب اکتبر و حزب ۱۹۱۷ در دوره کنونی است. حزب ما همواره در سالروز انقلاب اکتبر ضمن دفاع از حقایق این انقلاب تاکید کرده است که از درسهای انقلاب اکتبر می آموزیم، از کمبودها و محدودیتهایش اجتناب میکنیم، به سوالات و معضلات امروز جواب میدهم، و تکرار اکتبر دیگری را هدف خود قرار داده ایم. \*

## سایتهای حزب اتحاد کمونیسم کارگری:

[www.wupiran.org](http://www.wupiran.org)

[www.wupiran.net](http://www.wupiran.net)

سایت رادیو یک دنیای بهتر:

[www.wupradio.org](http://www.wupradio.org)

ای میل جدید رادیو:

[wup1917@mail.com](mailto:wup1917@mail.com)

لطفا به اطلاع عموم برسانید!

## علیه فقر و بیکاری

گفتگو با نسرين رمضانعلی



را به خاک سیاه بنشانند. ببینید هفته گذشته حزب اتحاد کمونیسم کارگری اطلاعیه ای را در مورد اخراج کارگران ایلان جرتفیل صادر کرد و اتفاقا به گفته یکی از کارگران اشاره دارد که این کارگر نارحتی کلیه دارد و باید مرتب دارو مصرف کند. این کارگر اخراج شده است و در توضیح مریضی خود اشاره دارد که با تحریم اقتصادی داروهای مورد نیازش نایاب و یا قیمتش در بازار سیاه چند برابر شده است. قبلا اگر میشد در بازار سیاه دارو و نیازی را تهیه کرد اما امروز در بازار سیاه هم پیدا نمی شود. تحریم تاثیراتش را با بیماری شدیدتر، فقر بیشتر، بیکاری بیشتر و ناامیدی بر زندگی مردم گذاشته است. ما تجربه محاصره اقتصادی عراق را داریم که دود این تحریمها تنها به چشم کارگران و مردم زحمتکش رفت. روزانه چند هزار کودک فقط بخاطر نبود دارو و غذا جان خود را از دست میدادند. محاصره اقتصادی یعنی به زانو در آوردن مردم و نه حکومتها. شعار ما و طبقه کارگر در ایران و سراسر جهان باید لغو تحریم های اقتصادی ای باشد که زندگی مردم را توسط حکومتها و سرمایه داران گرو میگیرد.

اما بیکاریهای وسیع کنونی صرفا نتیجه تحریم نیست. این یک دروغ بزرگ است که کارفرماها با سو استفاده از آن تهاجمشان را به کارگران گسترش داده اند. جمهوری اسلامی از این فرصت استفاده کرده و تحت عنوان "ما در محاصره هستیم"، بیکار و اخراج می کند و اعتراضات را سرکوب می کند. باید این فرصتها را از این جنایتکاران گرفت. بیکاری محصول کارکرد این نظام است که چه در دوره رونق و چه در دوره بحران وجود دارد. تحریم

مشکلات اجتماعی بیکاری تاثیرات بی نهایت مخربی بر کودکان در خانواده خواهد داشت. کودکان بدلیل فقر از تحصیل محروم می شوند. طبق آمار وزارت آموزش و پرورش سالیانه نزدیک به یک میلیون کودک از حق تحصیل بخاطر مسئله فقر محروم می شوند و این کودکان خود نیز به نیروی کار ارزان در بازار تبدیل می شوند.

اخیرا قوه قضائی اعلام کرده است که پانزده میلیون پرونده جنائی برای بررسی در دستور کار قرار گرفته است. معنای این آمار چیست؟ ریشه این جنایات و معضلات اجتماعی بجز فقر و تنگ دستی و محرومیت نیست که به بخش عظیم مردم تحمیل شده است. خودشان از یکطرف قربانی میکنند و از طرف دیگر قربانی را محاکمه و زندان و اعدام میکنند! آمار دزدی، قتل، تن فروشی، اعتیاد و جنایت هر روز بالا می رود. اینها از جمله نتایج بیکاری و فقر بر زندگی مردم زحمتکش است که مسبب و بانی آن سرمایه داری و حکومت اسلامی است که عرضه ندارد حتی با قوانین ارتجاعی خودش به مردم نان و کار بدهد.

**یک دنیای بهتر:** میگویند تحریم اقتصادی عامل بیکاری های کنونی است. نظر شما چیست؟ نقش تحریم های اقتصادی و فلج اقتصادی رژیم اسلامی در بحران بیکاری را چگونه می بینید؟

**نسرين رمضانعلی:** قطعا بی تاثیر نیست و در تشدید بحران اقتصادی و مشخصا میزان بیکاری نقش دارد. مراکز مهمی مثل نفت و گاز و صنایع سنگین و بخصوص ماشین سازی بدلیل کمبود قطعات یدکی و مواد اولیه و یا نو نشدن تکنولوژی زیر ظرفیت موجودشان کار میکنند. در مواردی زیر ظرفیت ۵۰ درصد. کارفرما و دولت نیز با طرح تعدیل نیروی کار و طرح بازنشستگی پیش از موعد و اخراج کارگران قدیمی رو آورده است. آنها تلاش دارند سود خود را کماکان به جیب بزند اما زندگی میلیونها کارگر

تاثیرات بیکاری و رشد وسیع آن بر زندگی طبقه کارگر و مردم زحمتکش نابود کننده است. آمارهای دولت در باره بیکاری را خودشان هم باور ندارند. این آمارها واقعی نیستند. اما واقعی بیکاری دستکم دو برابر آنچه است که دولتیها از ۱۱ تا ۱۷ درصد ادعا میکنند. بخش زیادی از بیکاران اساسا جزو نیروی آماده بکار ثبت نشدند، زنان خانه دار شامل این آمار نمیشوند، کودکان کار جزو این آمار نیستند، خیلی از کسانی که شاغل محسوب میشوند هفته ای یکروز و چه بسا چند ساعت کار دارند. در شهرستانها بیشتر مراکز صنعتی بسته است و بیش از ۳۵ الی ۵۰ درصد نیروی آماده بکار هیچ روزنه امیدی ندارند. بیکاری یعنی پاشیده شدن شیرازه خانواده های کارگری. بیکاری برای بخش وسیعی یعنی محرومیت از هر گونه بیمه و خدمات اجتماعی. یعنی حق زندگی نداری. آمار وزارت کار از بیکاری ۲/۱۱ صحبت میکند که طبق همین آمار تنها ۱۵۰ هزار نفر بیمه بیکاری آنها در مدت محدودی دریافت می کنند. تازه اگر کارفرما پول بیمه را که از دستمزد کارگر کم کرده بالا نکشیده باشد و به بیمه پرداخت کرده باشد. در موارد زیادی این بخش دستمزد کارگران توسط کارفرما خورده شده است. در نتیجه بیشتر کارگران اخراجی و بیکار برای ادامه زندگی اگر پس اندازی داشته باشند، که معمولا ندارند، ناچارند فرش زیرشان را بفروشند، قرض کنند، و یا اگر همسرشان تکه طلائی داشته باشد بفروشند تا هزینه اولیه زندگی را تهیه و لقه نانی بدست بیاورند. زندگی برای خانواده های بیکار جهنم سرمایه روی زمین است. درگیریهای خانوادگی و

**یک دنیای بهتر:** بیکاری در جامعه ابعاد فزاینده ای یافته است. یک میلیون بیکار تنها در سال گذشته به ارتش بیکاران افزوده شده است. اخراج ها نیز گسترش یافته است. دامنه بیکاری و تاثیرات آن بر زندگی کارگران و مردم زحمتکش چگونه است؟

**نسرين رمضانعلی:** فاجعه بار است. بیکاری نابود میکند، میکشد، منهدم میکند و در دنیای امروز با افکار مسلط ارتجاعی حرمت قربانیان آنرا مورد هجوم قرار میدهد. بیکاری محصول این نظام است و بحران اقتصادی و ورشکستگی سرمایه داری ایران آنرا تشدید کرده است. عوامل زیادی وجود دارد که در بالا بردن آمار بیکاری نقش دارند. از جمله بسته شدن تعدادی از صنایع قدیمی و کارخانجات که تولید آنها به روال سابق برای سرمایه داران نمی صرفد و بجای آن همان کالا را ارزانتر از بازار جهانی وارد میکنند. اما این همیشه در سرمایه داری وجود دارد. بیکاری در ایران و روند سرسام آور آن رابطه مشخصی با اقتصاد ورشکسته و بحران زده آن دارد. اقتصاد سرمایه داری ایران نمیتواند تولید را سامان دهد و افقی از اشتغال و گشایش اقتصادی به جامعه بدهد. این اقدام با جمهوری اسلامی ممکن نیست. همینطور سیر خصوصی کردن ها در ایران به این منجر شده که کارخانه ها بسته شوند و صاحبان آن به طرق دیگری دنبال کسب و کار باشند و تعداد زیادی بیکار شوند. در حکومتی که از لحاظ سیاسی ثباتی ندارد، اقتصادش ورشکسته است و با بحران جهانی زمینگیرتر شده، و جامعه هم آنرا نمیخواهد طبعاً بیکارسازیها وسیع تر و پیامدهای آن شدیدتر است. به اینها اگر دزدیهای کلان سران رژیم را اضافه کنیم برای مردم زحمتکش چیزی باقی نخواهد ماند.

## علیه فقر و بیکاری

گفتگو با نسرين رمضانعلی ...

اقتصادی و بحران جهانی این وضعیت را تشدید کرده اما عامل و بانی اصلی بیکاری سرمایه داری و سیاستهای سودجویانه و ضد کارگری آنست.

**یک دنیای بهتر:** برای مقابله با این وضعیت چه پرچمی را باید در دست گرفت؟ کدام سیاستها راهگشا هستند، از کدام سیاستها باید پرهیز کرد؟

**نسرين رمضانعلی:** با شعار ما نان می خواهیم، ما بیمه بیکاری مکفی می خواهیم، ما کار می خواهیم، ما زندگی می خواهیم باید هر چه گسترده تر به میدان آمد. پرچم مبارزه علیه فقر را باید امروز بیش از هر زمانی بلندتر کرد. حزب ما سالها قبل این دورنما را دیده بود و علیه فقر بیانیه ای تصویب کرده است. این بیانیه باید پرچمی برای مبارزه علیه سیاست به فقر کشاندن طبقه کارگر باشد. این بیانیه باید چراغ حرکت به جلو و سازماندهی مبارزه ای توده ای علیه فقر و گرسنگی باشد که بتواند رژیم اسلامی سرمایه داران را عقب براند و مجبور به تامین حداقل نیازهای زندگی مردم محروم کند. بدون سازماندهی مبارزه ای توده ای و گسترده علیه حکومت فقر و بیکاری و اختناق، موقعیت طبقه کارگر بطور خاص و مردم بطور عام بیش از این که هست سقوط میکند. برای جلوگیری از این سقوط باید با این شعار و این پرچم به میدان رفت و در گوشه و کنار شهرها و محلات و مراکز کارگری خود و سایرین را سازماندهی کرد. از کدام سیاستها باید پرهیز کرد راستش فکر می کنم سیاستی هم در گوشه کنار اگر چه جرات ندارد با جسارت ابراز وجود کند اما از این تحریمهای اقتصادی و از این وضعیتی اسفباری که به مردم تحمیل شده است بخشا خوشحال هستند و فکر میکنند هر

چه مردم بیشتر در فقر و بدبختی باشند، بیشتر به "انقلاب" و مبارزه رو می آورند و سرنگونی حکومت اسلامی سریعتر اتفاق می افتد. این گرایش هرچه اسم خودش را بگذارد رگه ای مذهبی است. اما نکته اساسی تر نوعی توهم به بالا، دست به آستان جناحی از حکومت شدن، و درد را پیش عامل آن بردن است. سیاستهایی که به ناسیونالیسم تکیه دارند و به رفتارهای اقتصادی دولت انتقاد میکنند، تلاش دارند اعتراض کارگران را به سرمایه داران "خوب" و "هموطن" و بخشی از حاجی بازاریها متکی کنند. این سیاست نسخه شکست طبقه کارگر است و باید قاطعانه از آن اجتناب کرد.

این اوضاع البته شورش گرسنگان را به یک واقعیت عینی تبدیل میکند اما اگر همین شورش متکی به افق و سازمان و رهبری نباشد شکست میخورد. این تلاش و مبارزه برای بهبود شرایط زندگی مردم و طبقه کارگر است که ما را به اهداف اصلیمان نزدیکتر میکند.

**یک دنیای بهتر:** چگونه میتوان بر مبنای این سیاستها سازماندهی کرد؟

**نسرين رمضانعلی:** در بالا بطور خلاصه ای اشاره کردم. مراکز کارگری و محلات کارگری باید ثقل این تقابل و مصافها برای سازماندهی طبقه کارگر علیه بیکاری و فقر باشد. امروز شاهد جنب جوشهای کارگران علیه اخراجها و یا برای بهبود شرایط کار و امکانات رفاهی در مراکز کارگری هستیم. اما

این حرکتها پاسخگوی اوضاع کنونی نیست. امروز طبقه کارگر باید بیش از پیش متکی به مجامع عمومی خود در محیط کار و زیست شود. ایجاد شوراها و سازمانی که قدرت عمل جمعی را بتواند در صورت نیاز بمیدان آورد حیاتی است. یک خانواده کارگری چهار نفره با ۳۲۰ هزار تومان حقوق توان پرداخت کرایه خانه را هم ندارد. بنابر این تلاشها امروز در مراکز کارگری باید علیه فقر متمرکز شود. یک بخش مهم این مبارزه به محیط زیست کارگران ربط مستقیم دارد. فقدان برق و آب و رفاه وسیله اعتراض و تشکل علیه فقر است.

امروز در خیلی از محلات فقیر نشین هستند کسانی که تلاش می کنند کارهای مثبتی انجام بدهند. نفس این حرکتها خیر خواهانه و انسانی بد نیست، اما دوی درد میلیونها انسان هم نیست که در آن جامعه با فقر دست پنجه نرم می کنند و حتی توان تهیه یک وعده نان خالی را هم ندارند. امروز گروهانی هستند که مثلا به محلات متوسط حال و ثروتمند می روند و از آنها تقاضای لباس و یا مواد خوراکی می کنند. یا اینکه به مغازه داران مراجعه می کنند و برخی مواد غذایی تاریخ مصرف گذشته یا بفروش نرفته را از اینها دریافت و در محلات فقر نشین بین مردم گرسنه تقسیم میکنند. خوب اینها هرچه باشد جواب فقر نیست، فقر را امروز آنهم در مقیاس یک جامعه هفتاد میلیونی نمیتوان با سیاستهای رابین هودی "حل" کرد. فضا را باید برای اعتراض آماده کرد. این چه وضعیتی است که بعد از عمری کار باید حالا یکی بیاید و لقمه نانی دست فرزندان ما بگذارد؟ یا برای مثال کودکانی که آینده یک جامعه هستند. سازماندهی در محیط زیست کارگران یکی از اقدامات مهم و

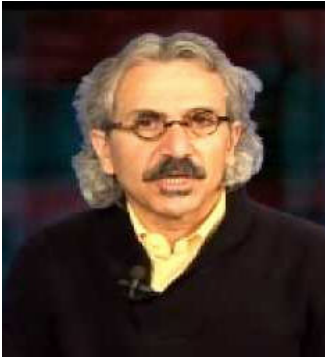
یک حلقه مهم در مبارزه علیه فقر است.

**یک دنیای بهتر:** چه فراخوانی برای رهبران عملی کارگری و فعالین رادیکال سوسیالیست کارگری دارید؟

**نسرين رمضانعلی:** در این اوضاع پیچیده رهبران رادیکال سوسیالیست وظایف خطیری بر دوش دارند. ما در مسیر سازماندهی یک انقلاب کارگری و ایجاد یک جامعه آزاد و مرفه سوسیالیستی باید موانع را از سر راه برداریم. یکی از این موانع سیاست به فقر کشاندن طبقه ما است. سیاستی که هدفی جز زمینگیر کردن طبقه کارگر و دور کردنش از دخالت در سیاست ندارد. رژیم اسلامی سرمایه داران تلاش دارد با سرکوب و فقر طبقه ما را بکوبد و بقای ننگین اش را حفظ کند. در این شرایط طبقه کارگر و مردم زحمتکش به وجود لایه رهبران پیشرو و سوسیالیست کارگران برای سازماندهی و هدایت اعتراضاتشان نیاز دارند. برای گرفتن حقایق پایمال شده میلیونها انسان نقش شما رهبران رادیکال سوسیالیست نقشی تاریخی است. کار رهبران عملی طبقه کارگر رفع این موانع و بسیج کارگران محرومان علیه حکومت فقر و فلاکت سرمایه داری اسلامی است. هیچ چیز مشروع تر از این نیست که برای نان، مسکن، کار، رفاه اجتماعی و حق زندگی تلاش و مبارزه کرد. این مبارزه توده های میلیونی را پشت خود دارد. باید الگوهای روشن و کارا بدست داد و در مقابل سیاست فقر و فلاکت و گرسنگی ایستاد. دنیای دیگری ممکن است اگر کارگران اراده کنند. \*

**تمام فلاسفه تاکنون جهان را تفسیر کرده اند، حال آنکه مسئله بر سر تغییر آنست!**

کارل مارکس



مسیحیت در کنار قطب تروریسم دولتی تردیدی کرد.

تحرك جریانات اسلامی كاملا قابل پیش بینی است. اسلام و جنبش تروریستی اسلام سیاسی در هم كاملا تنیده شده اند. تروریسم اسلامی را نمیتوان بدون اسلام تعریف و تبیین کرد. اگر در غرب تلاش دستگاه مسیحیت برای گسترش پر و بال خود با موانع سکولاریستی جدایی کلیسا از دولت مواجه است. در مقابل اسلام سیاسی با چنین موانعی روبرو نیست. این جریان به استقبال این تقابل می‌رود. از آن بهره می‌گیرد و هیمة بر آتش آن می‌گذارد.

کمونیسم کارگری باید در عین تشدید مبارزه علیه مذهب و پیشبرد پروژه مذهب زدایی در عین حال ماهیت و اهداف ارتجاعی تقلاهای این چنینی برای دامن زدن به جنگ مذاهب را خنثی و حاشیه ای کند. موضع ما یک موضع سوم است. موضع آزادیخواهی و رهایی جامعه از چنگ مذاهب و جدال و کشمکشان است. ما در مقابل جنگ مذاهب، پروژه مذهب زدایی را قرار می‌دهیم.\*

## در حاشیه فراخوان به "قرآن سوزی"

در سالگرد ۱۱ سپتامبر

علی جوادی

مذهب بمثابه چهارچوب فکری و نظری بر اصلی ترین کشمکشهای جهان معاصر است.

واقعیت این است که تاریخا دستگاه مذهب بعضا بقای خود را مدیون تطبیق خود با نیازهای مادی و معنوی طبقه حاکم استثمارگر در هر دوره بوده است. بدون این قابلیت ارتجاعی، بدون دفاع و تبدیل شدن به یک ارگان و سنگر طبقه حاکم ارتجاعی، مذهب شانسی زیادی برای بقاء نمیتوانست داشته باشد. نقش دستگاه کلیسای مسیحیت در دوران جنگ سرد در کنار سازمان جاسوسی آمریکا در مقابله با بلوک شرق غیر قابل انکار است. نقش پاپ بندیکت در شکل دادن به تقابل مذاهب در کنار و بمثابه بازوی مذهبی دو قطب تروریستی انکار ناپذیر است. حتی قرار گرفتن او در این جایگاه در سلسله مراتب این دستگاه مافیایی بی ارتباط با نیازمندیهای مذهبی قطب تروریسم دولتی نبود. و اگر فراخوان تری جونز که شخصا یک کشیش حاشیه ای و کم تاثیر است این چنین ابعدی بخود می‌گیرد این واقعیت را باید ناشی از جایگاه این مساله در کل تقابل دو قطب تروریستی ارزیابی کرد. تروریسم دولتی غرب نیازمند حمایت گسترده و همه جانبه تمامی ابزارهای تحمیق و مذهبی در کنار ماشین نظامی و دستگاه مغزشویی این اردوی جهانی است. حتی اگر گرایشات بستر اصلی اردوی تروریسم دولتی به نقد این فراخوان بپردازند، نباید در نقش دستگاه

اما فراخوان به قرآن سوزان در آمریکا توسط یک جریان مذهبی و در سالگرد ۱۱ سپتامبر یک اقدام در این بستر نیست. مترقی نیست. ارتجاعی است. گوشه ای از جدال دو قطب تروریستی جهان معاصر است که دستگاه مذهب مسیحیت و اسلام نیز در متن این تخاصم تروریستی قرار گرفته است. تلاشی برای دامن زدن به جنگ مذاهب است. جنگی که قربانیانش از هر طرف عادی ترین مردم عادی خواهند بود.

ما کمونیستهای کارگری پرچمدار مبارزه علیه مذهب و مذهب زدایی از جامعه هستیم. مذهب بزرگترین عامل کشتار و تحمیق و ضدیت کور با خواستههای انسانی و آزادیخواهانه در طول تاریخ بوده است. مذهب یک صنعت مافیایی است. مبارزه ما برای مذهب زدایی و کوتاه کردن دست مذهب از زندگی انسانها یک مبارزه آزادیخواهانه و رهاییبخش است. دستگاه مذهب را باید همانند هر دستگاه مافیایی و مخرب دیگری در جامعه تحت کنترل قرار داد و دامنه عملکرد آن را محدود کرد. ما نه تنها برای جدایی مذهب از دولت مبارزه میکنیم بلکه علاوه بر آن معتقدیم که باید دست مذهب را از شئونات جامعه کوتاه کرد. باید ریشه این صنعت مافیایی را طی یک پروژه سیاسی، علنی و آگاهگرانه در جامعه خشکاند. اما قرآن سوزان بخشهایی از مافیای مسیحیت در سالگرد فاجعه خونین ۱۱ سپتامبر اقدامی در چهارچوب جنگ فرقه های مذهبی است. تلاشی برای تحمیل و حفته کردن

اخیرا یک کشیش آمریکایی به نام تری جونز فراخوانی برای قرآن سوزی در سالگرد فاجعه خونین ۱۱ سپتامبر داده است. این اقدام در رسانه های اصلی آمریکا بازتاب وسیعی یافته است. سی ان ان به نقد این فراخوان و گرایش برخاسته است. شبکه خبری فاکس حمایت ضمنی خود را از این فراخوان پنهان نکرده است. فرمانده نیروهای نظامی آمریکا در افغانستان این اقدام را لاقیدی و بی مسئولیتی در قبال جان سربازان آمریکایی دانسته است. از هم اکنون جریانات اسلامبست در گوشه و کنار به تحرك افتاده اند. قابل پیش بینی است که کشمکش پیرامون این واقعه گسترش یابد. موضع کمونیسم کارگری در قبال این مساله چیست؟ تمایز پروژه مذهب زدایی و مذهب ستیزی در این زمینه چیست؟ این اقدام را چگونه باید ارزیابی کرد؟

تردیدی نیست که قرآن همانند تورات و انجیل یک ابزار تحمیق و عقب ماندگی مذهبی و ضدیت با هر آنچه که آزادیخواهانه و انسانی است. قرآن فشرده عقب ماندگی و تحجر مذهبی است، یکی از بزرگترین ابزارها و سمبلهای دستگاه مافیایی مذهب اسلام است. تعرض مردم معترض در ایران به قرآن و آتش زدن آن نمونه یک اعتراض مترقی و آزادیخواهانه به حکومتی اسلامی سرمایه در ایران است. اقدامی برای خلاصی و آزادی از شر مذهب و حکومت مذهبی است. با آیات قرآن در ایران تازیانه بر پیکر آزادیخواهان می‌زنند، با قرآن سنگسار میکنند، با قرآن به دار می‌کشند، با قرآن شکنجه میکنند. قرآن در رژیم اسلامی علاوه بر یک ابزار تحمیق یک ابزار سرکوب خونین اسلامی است.

**نه به تروریسم اسلامی!**

**نه به تروریسم دولتی!**

## گریبان دولت سرمایه داران را در اول مهر بایستی گرفت!

پدرام نواندیش

بی قرار است. از صبح یکسره با خودش کلنجار می رود. به بچه هایش که خوابیده اند می نگرند. می داند که خاتمش خواب نیست و فقط چشم بر هم نهاده و نگران است. سیگار از پی سیگار است که دود می کند. با هر پکی که به سیگار می زند این جمله را تکرار می کند: نه، نه، نمی شه. این طوری نمی شه. غروب آن روز، باقی مانده پولش را پس از خریدن آنچه که مورد نظرش است، برای خریدن چند سیخ کباب و شیشه ای دوغ پرداخت می کند. زن و فرزندان نگران و منتظر آمدنش هستند. چهره گشوده و آنان را تنگ در آغوش می کشد.

فرزندان، اینگونه به خود جرات می دهند و پدر را دوره می کنند. یکی از آنها دل به دریا زده و از پدر کفشی و کیفی در آستانه گشوده شدن مدارس می خواهد. آنگونه که تصور شود جیب هایش پر از پول است، رو به دیگر فرزندان کرده و می پرسد مگر او چیزی نمی خواهد؟

می دانم خواهی گفت اخراج شده ای و آه در بساطت نیست و من را شاید به باد کتک هم بگیرد. اشک در چشمانش حلقه بسته و شاید آخرین سیگارش را روشن کرده و در افکارش گم می شود. با زن و فرزندان شام را با لذت می خورد. به هنگام خواب آنان را در آغوش می گیرد. صبح دیگر هیچ کس نه کیفی خواست و نه کسی کفشی خرید. نه کسی نگران چشم برهم خود را به خواب زد و نه اشکی بر چشمی حلقه نبست.

شنیدنش به درد خواهد آورد. این سر نوشت بسیاری از خانواده هایی است که در نظام سرمایه داری و تحت حاکمیت جمهوری اسلامی زندگی تلخی را می گذرانند. نظامی که اساس آن بردگی و کار مزدی است. طبقه ای که خود خالق تمام ثروت های اجتماعی است اما محروم از کلیه آن ها می باشد. تا آنجا که شنیدن اخبار خود کشی فردی و خانوادگی به بخش لاینجزای اخبار تبدیل شده است. این نظام بردگی است و دولت برده داران این نظام، هر گاه خواسته، خرج جنگ و جنگ افزار هایش را به کارگران و توده های فقیر تحمیل کرده است. هر گاه در بحران اقتصادی قرار گرفته دستمزد طبقه کارگر را به بهانه کاهش هزینه ها به شدت پایین آورده و کارگران را گروه گروه اخراج می کند.

کاهش دستمزدها و اخراج های گسترده کارگران و تهی دستان، مساوی مرگ و نابودی بسیاری از خانواده های آنان است. مساوی رشد بزهکاری، تن فروشی، اعتیاد و بسیاری از معضلاتی است که پشته پشته قوانین ارتجاعی برای مقابله با آنها توسط مجالس نامحترم دولتهای سرمایه داران به تصویب می رسند. با چنین شرایطی که گریبانگیر طبقه کارگر ایران است، یعنی دستمزد های پایین، موج وسیع اخراج ها، حذف یارانه ها که منجر به افزایش شدید قیمتها خواهد شد.

قدرت خریدشان را تا تقریباً صفر رسانده است به همراه افزایش قیمت های کالا و خدمات، چون لبه های یک قیچی که در دست دولت سرمایه داران است به جان زندگی کارگران و زحمتکشان افتاده است. هزینه های آموزش و درس خواندن در جمهوری اسلامی، به گونه ای افزایش یافته است که بسیاری از خانواده های کارگری از عهده آنها بر نیامده و تامین آن به معضل بزرگی برای آنها تبدیل شده است.

در شهرهای بزرگی همچون تهران، اصفهان، شیراز و کرج و... گرفتن شهریه از سوی مدارس دولتی امری عادی شده است و مدرسه ای که در آن شهریه دریافت نشود به ندرت پیدا خواهد شد. هر چند در آنها نیز تحت عنوان های کمک به مدرسه پول دریافت می شود. شرایط شغلی و دستمزدی معلمان نیز به گونه ای است که هیچ گونه رغبتی به ادامه کار خود نداشته و اعتراضات خودشان را گاه با کم کاری و عدم اجرای برنامه های درسی و آموزشی نشان می دهند.

این وضعیت فرزندان خانواده های کارگران را که از نظر حتی معیشتی دچار مشکل هستند را در شرایط وحشتناکی قرار می دهد. یا می بایست به تدریس خصوصی که معلمان همان مدارس راه انداخته اند روی بیاورند و یا برای همیشه تحصیل را ترک کرده و به صف ارتش بیکاران بپیوندند که در شرایط کنونی راه دوم بیشتر گشوده است تا راه حل اول. تشدید فشارهای همه جانبه بر طبقه کارگر و دیگر مزد بگیران، نتیجه تداوم حکومت جهل و خرافه سرمایه داران جمهوری اسلامی است.

جمهوری اسلامی حاکمیتی است که

پایه های آن علاوه بر ستم طبقاتی، بر جهل و باز تولید خرافات مذهبی است. آنگونه که مدارس دخترانه حتی ابتدایی را مسقف نموده است. نو نهالان مدارس ابتدایی را مجبور به پوشیدن مانتو و مقنعه کرده و شادابی و نشاط کودکانه را از آنان می گیرد. جدایی جنسیتی را به دانشگاهها تحمیل کرده و دانشگاهیان را در شرایطی قرار داده که همیشه احساس کنند تحت نظر هستند. از جمله اقدام اخیر وزارت به اصطلاح علوم جمهوری اسلامی دریافت اجاره از مهمان های دانشجویان است که می توان به آن اشاره کرد. مطابق این شرایط جدید دانشجویان فقط سه روز در هفته حق دارند مهمان داشته باشند و به ازای هر مهمان شبی 2500 تومان می بایست به حساب دانشگاه پول واریز شود.

جمهوری اسلامی و عناصر اطلاعاتی آن در صددند در آستانه گشوده شدن دانشگاهها فشار را بر دانشجویان کمونیست و آزادیخواه تشدید کرده و آنان را از هر حرکت اعتراضی و سرنگونی طلبانه باز دارد. واقعیت اینست که ناقوس سرنگونی این حکومت توسط طبقه کارگر و مردم معترض به صدا در آمده است. در اول مهر ماه با گشوده شدن مدارس و دانشگاهها، صف دیگری از مبارزه مجدداً در برابر حکومت گشوده خواهد شد. اول مهر ماه را به تمام دانش آموزان و دانشجویان ایران شاد باش می گویم و آرزوی سالی همراه با تحرک هر چه بیشتر در عرصه های مبارزاتی بر علیه جهل و خرافه و جمهوری اسلامی را دارم.\*

## یا کار یا بیمه بیکاری!

کارگران شاغل و بیکار! متحدانه علیه بیکاری بمیدان بیایید!

درست با چنین شرایطی تا چند روز دیگر اول مهر ماه است و مدارس باز گشایی خواهند شد. جیب های خالی کارگران، که

نظام طبقاتی سرمایه داری از آغاز پیدایی خود پر است از چنین حوادث تلخ و دردناکی که بی شک، قلب هر انسان شریفی از

اطلاعیه شماره ۱ کمپین مبارزه علیه اعدام



## ۱۰ اکتبر را به روز اعتراض جهانی علیه رژیم اسلامی اعدام و سنگسار تبدیل کنیم!

۱۰ اکتبر (۱۸ مهر) روز جهانی علیه مجازات اعدام است. بشریت دیر زمانی است که برای لغو مجازاتهای قرون وسطانی اعدام و سنگسار مبارزه میکند. اما هنوز در قرن بیست و یکم در بسیاری نقاط جهان، از آمریکا تا چین و ایران، بساط اعدام براه است. باید ۱۰ اکتبر را به روز اعتراض جهانی علیه رژیم اسلامی صد هزار اعدام، رژیم سنگسار، رژیم خالق گورهای دسته جمعی، رژیم خاوران ها و کهریزک ها تبدیل کرد.

اعدام قتل عمد دولتی است. هیچ دولتی تحت هیچ شرایطی حق ندارد جان کسی را بگیرد. کشتن عامدانه و گرفتن حق حیات انسانها، به هر دلیل و بهانه ای، حق هیچ دولت و قدرتی نیست. اعدام یک ابزار رژیم اسلامی و طبقات حاکم برای به انقیاد در آوردن جامعه و سربریزر نگهداشتن مردم معترض است. اعدام باید لغو شود. قدرتها و حکومتهای مدافع اعدام و سنگسار باید سرنگون شوند. یک رکن تلاش ما برای برپایی نظامی آزاد، برابر، مرفه و انسانی، مبارزه قاطع برای برچیدن بساط شنیع اعدام و لغو مجازات اعدام و سنگسار است.

در ایران جان زندانیان سیاسی در خطر جدی قرار دارد. هر روز در زندانها گروه گروه از انسانهای محروم و قربانی به قتل میرسند. آمار اعدام در ماههای اخیر به ۳۰۰ نفر میرسد و جلادان در صدد اعدام بیش از ۲۰۰۰ نفر هستند. رژیم اسلامی حکومت سه دهه جنایت جمعی تکان دهنده است. اعدامهای صحرایی سال ۵۸ در کردستان، اعدامهای بعد از خرداد ۶۰ و قتل عام زندانیان سیاسی در شهریور ۶۷ تنها نمونه های برجسته دستگاه آدمکشی اسلامی است. جمهوری اسلامی سمبل مجازات اعدام در جهان است. مبارزه برای لغو مجازات اعدام در جهان، بدون سازمان دادن مبارزه ای همه جانبه علیه رژیم اسلامی اعدام در ایران ممکن نیست.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری ۱۰ اکتبر را روز جهانی مبارزه با حکومت اسلامی اعدام اعلام میکند. حزب از تمامی نیروهای آزادیخواه، انساندوست و پیشرو میخواهد که در این روز متحدانه علیه مجازات اعدام و رژیم اسلامی اعدام به میدان بیایند. این روز را باید به روز اعتراض عمومی و روز اقدام جهانی علیه رژیم اسلامی تبدیل کرد. در اینروز باید اجتماعات بزرگ و اقدامات متنوعی علیه نفس مجازات اعدام و رژیم اسلامی صد هزار اعدام سازمان داد. برای متوقف کردن ماشین اعدام و لغو تمامی احکام اعدام صادر شده بمیدان بیایند. روز ۱۰ اکتبر باید جمهوری اسلامی را در پیشگاه افکار عمومی مردم جهان به محاکمه کشید. باید جهان یکصدا رژیم طالبانهای ایران را محکوم کند. بشریت آزادیخواه در قرن بیست و یکم نباید حکومتهای اعدام و سنگسار را تحمل کند!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۵ شهریور ۱۳۸۹ - ۲۷ اوت ۲۰۱۰

“آیا لازم نیست در مورد وسایل تغییر آن نظامی که تمامی این جنایات را تولید میکند، عمیقاً اندیشید، تا اینکه آهنگ ستایش در باره جلد سردهیم، همان جلادی که با اعدام یکدسته از جنایتکاران، جا را برای افراد بعدی باز میکند؟“  
کارل مارکس

**10 اکتبر**  
روز جهانی  
علیه رژیم  
100000  
اعدام



**اعدام قتل عمد دولتی است!**  
**اعدام قتل آگاهانه و با نقشه**  
**قبل توسط دولت و قانون**  
**است! کارگران و مردم**  
**آزادیخواه برای الغای مجازات**  
**اعدام مبارزه میکنند!**

## چرا اعدام؟

پدرام نو اندیش

من بودم و او که هر روز راه مدرسه تا منزل را با هم می آمدیم. ساکت بود و آرام. خیلی کم حرف می زد. اگر من به شوخی چیزی می گفتم؛ آنگاه وادار به حرف زدن می شد. والا اکثر مواقع از دبیرستان که بیرون می آمدیم تا آنجایی که از هم جدا می شدیم، به سکوت می گذشت. با مادرش تنها زندگی می کرد. پدرش را خیلی وقتها پیش از دست داده بود. فرزند دوم بود ولی اکنون تنها فرزند خانواده و یگانه انگیزه زندگی مادرش بود. شباهت زیادی به برادرش علی داشت. اما علی کمی پرت و کوتاه تر از او بود.

خرداد سال 1360 با مادرش برای همیشه تنها ماندند. علی تیر باران شد. در پس خنده های زورکی اش، غمی بی پایان نهفته بود. مادرش در سال 1365 برای همیشه تنها ماند و کیوان نیز به ...

کافی است در گوگل لیست اعدام های سال 1360 و یا 1367 را سرچ کنید تا به اسامی و تعداد جانبختگانی که فقط طی آن سالها تیر باران و یا حلق آویز شده اند دست پیدا کنید. جان باختگانی که شبانه اعدام شدند و در گورهای دسته جمعی دفن گردیدند. هر چند این لیست ها به دلیل پنهان کاری های حکومت نمی تواند کامل باشد چرا که بسیار کسانی که در آن سالها اعدام شدند اسمشان در چنین لیست هایی نیست. ابعاد جنایت به حدی بزرگ است که سردمداران جنبش سبز که خود در این جنایات شریک بوده اند، به اشکال مختلف خود را مبرا دانسته اند. 15425 نفر جمع نفرات طی 2 لیست مورد اشاره است. هر چند این تعداد نمی تواند واقعی باشد و ابعاد جنایت بسیار گسترده تر از این ها می باشد.

اگر همین تعداد از افراد که توسط حکومت تا سال 1367 اعدام شده اند را به تعداد روزهایی که به عمر جنایتکارانشان تا سال 1367 ادامه داده اند تقسیم کنیم، به روزی 4 اعدام خواهیم رسید که تعداد بیشتر از این می باشد. سالی 1460 نفر توسط حکومت اعدام شده است. گورستان خاوران و دیگر جاهایی که این جانبختگان را در آنجا دفن کرده اند، گوشه کوچکی از ابعاد بزرگ جنایات حکومت اسلامی می باشد.

ماشین اعدام حکومت اسلامی همچنان به کار خود ادامه داده و طیف های مختلفی از افراد جامعه را مورد حمله خود قرار داد. اعدام برای حکومت اسلامی یک پاسخ است. پاسخ به بسیاری از چرایی توده های به جان آمده از ستم طبقاتی در حکومت سرمایه داران اسلامی. نگاهی به گذشته و حال جمهوری اسلامی موبد این واقعیت است که این حکومت پاسخی در برابر گرسنگی و فقر رو به تزاید کارگران و تهیدستان به جز سرکوب و شکنجه و اعدام نداشته است. پاسخ کارگرانی که چندین ماه است دستمزد نگرفته اند و فریاد بر می آورند که گرسنه اند را با سرکوب و زندانی کردن داده است. یا پاسخ اعتراض کارگران گرسنه خاتون آباد را با گلوله و کشتار داده است. معلمانی که به جان آمده اند و دانشجویانی که برای حقوق شان اعتراض می کنند با اعدام و شکنجه پاسخ می گیرند. زنان قربانیان ستم جنسی در جامعه طبقاتی، فریاد حق طلبی و برابری طلبی شان به جز سرکوب و شکنجه و اعدام و یا اشکال وحشیانه ای مانند

سنگسار پاسخی نگرفته است. تکلیف حکومتی که پاسخش به مطالبات حق طلبانه توده های به جان آمده مردم از همان ابتدای حاکمیتش اعدام و سنگسار بوده است روشن است. چرا که پاسخ طبقه کارگر و دیگر مردم به جان آمده از 31 سال ددمنشی حکومت اسلامی، نمی تواند به جز سرنگونی چنین حکومتی باشد.

اعدام، پاسخ دولتها به معضلاتی است که خود و نظام طبقاتی آنها موجب آنها بودند. در کشورهایی همچون آمریکا، چین دولتهاشان از ابزار اعدام برای مرعوب کردن مردم استفاده می کنند. دولتها در کشورهای اسلام زده مانند ایران، عربستان، عراق، و پاکستان از شیوه های وحشیانه دیگری همچون سنگسار، قطع اعضا نیز به عنوان ابزار های مجازات استفاده می کنند.

و اما پاسخ بشریت به دولتهای سرمایه داری نه به اعدام و نه به سنگسار است. لغو کامل و بدون قید و شرط این مجازاتها است. کسی که یا قتل نفس مخالف است باید بگوید مجازات اعدام لغو شود. مجازات اعدام قتل عمد دولتی است و باید

**سران و کاربدستان جنایت علیه مردم در سه دهه گذشته باید در دادگاههای علنی و عادلانه محاکمه شوند!**

**ویدئو بلاگ آذر ماجدی و علی جوادی را در باره مسائل سیاسی ایران و جهان ببینید!**



[www.wupiran.org](http://www.wupiran.org)  
[www.wupiran.net](http://www.wupiran.net)



اطلاعیه شماره ۱

## در دفاع از "کمپین پناهندگان سیاسی ایرانی در آتن" - یونان

همچنان که در اطلاعیه قبلی دفتر دفاع از حقوق پناهندگی به اطلاع رساندیم، تعدادی از پناهجویان ایرانی در شهر آتن، در ماه جولای ۲۰۱۰، دست به تحصن زدند. این تحصن، با تمام کمی و کاستی هایش، سرآغاز دور جدیدی از مبارزه علیه وضعیت وخیم پناهندگی در این کشور شد و در اولین قدم بخش مهمی از خواسته هایش، با به رسمیت شناختن حقوق پناهندگی شش نفر از متحصنین، و پیرو آن پایان اعتصاب غذای آنها به نتیجه رسید. تشکیل "کمپین پناهندگان سیاسی ایرانی در آتن"، یکی از دست آوردهای این مبارزه است. این کمپین در اولین اقدامش، اقدام به سازماندهی "کمپین پناهندگان سیاسی ایرانی در آتن"، در مقابل بانک صادرات جمهوری اسلامی در این شهر کرده است. بنا بر اطلاعات رسیده به دفتر پناهندگی حزب اتحاد کمونیسم کارگری، در این کمپین تعداد ۳۰ پناهجو شرکت دارند.

دفتر پناهندگی حزب اتحاد کمونیسم کارگری از این کمپین حمایت میکند و از تمام ابزارهای ممکن برای پیروزی "کمپین پناهندگان سیاسی ایرانی در آتن" و رسیدن به خواسته های انسانی آن استفاده خواهد کرد. دفتر پناهندگی حزب اتحاد کمونیسم کارگری، تمامی پناهجویان مستقر در یونان و سازمانهای مدافع حقوق انسان در سراسر جهان را به شرکت و حمایت از این کمپین فرا میخواند. دفتر تلاش خواهد کرد تا بیشترین حمایت نهادهای مدافع حقوق انسان، احزاب چپ و مترقی و اتحادیه های کارگری در کشور یونان، را به این کمپین جلب کند.

اخبار و اقدامات این کمپین را در اطلاعیه های بعدی به اطلاع عموم میرسانیم.

آدرسهای تماس با مسئولین "کمپین پناهندگان سیاسی ایرانی در آتن":

امیر عبدملکی [abtind@yahoo.com](mailto:abtind@yahoo.com) ...

00306944571834

سمکو محمدی [smko\\_asrin@yahoo.com](mailto:smko_asrin@yahoo.com) ...

00306957787317

رضا کمالی

00306959770562

ریبوار قبادی [gribwar@yahoo.com](mailto:gribwar@yahoo.com) .....

00306959637995

دفتر دفاع از حقوق پناهندگی

05 سپتامبر ۲۰۱۰

## برای لغو فوری اعدام و سنگسار متحد شویم!



در شرایطی که فضای بین المللی همچنان در ابعاد قابل توجه ای متأثر از صدور احکام اعدام و سنگسار در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی می باشد، در شرایطی که خانواده زندانیان سیاسی بخشی از زندگی روزانه خود را در پشت درب زندانهای ایران سپری می کنند، دستگاه وحشیگری و سبیت رژیم آدمکشان اسلامی سرعت بیشتری به خود می گیرد. مصباح یزدی بار دیگر تأکید می کند: دست دزد را باید برید و محارب را باید کشت.

اکنون زندگی شیوا نظرآهاری، فعال حقوق زن و کودک نیز در مواجهه با اتهام "محاربه"، "تبلیغ علیه نظام" با خطر جدی اعدام روبرو است. دست بردن، چشم در آوردن، اعدام و سنگسار یکی از روشهای شناخته شده جنایتکاران اسلامی برای ادامه حیات منحوسشان است. جمهوری اعدام و کشتار پس از سه دهه بربریت، در پرونده سیاه خود خاوران ها، لعنت آبادها و کهریزکها و بیش از صد هزار اعدام را دارد.

### باید جلوی این بربریت اسلامی را گرفت!

سران رژیم اسلامی و عاملان و آمران ماشین سرکوب اسلامی باید بجرم اعدام، ترور، تجاوز و سنگسار هزاران نفر مورد محاکمه قرار گیرند. سازمان آزادی زن ضمن حمایت از کمپین جهانی حزب اتحاد کمونیسم کارگری علیه مجازات اعدام در ۱۰ اکتبر ۲۰۱۰، از تمامی نیروهای انساندوست و پیشرو می خواهد برای لغو فوری اعدام و سنگسار متحد شوند. ما کلیه انسان هایی که قلبشان برای آزادی و برابری می تپد را به پیوستن به این کمپین و مبارزه علیه اعدام و هلیه رژیم اسلامی فرا می خوانیم.

سازمان آزادی زن

2 سپتامبر ۲۰۱۰



## کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



## کتاب کنترل کارگری را از سایت حزب

دریافت و توزیع کنید!

## برابری و رفع تبعیض

برابری انسان‌ها یک مفهوم محوری در جنبش کمونیسم کارگری و یک اصل بنیادی جامعه آزاد سوسیالیستی است که باید با برچیدن نظام طبقاتی، استثمارگر و پر تبعیض سرمایه داری برقرار گردد. برابری کمونیستی مفهومی بسیار وسیع تر و جهانشمول تر از برابری حقوقی و صوری افراد و شمول یکسان قوانین و مقررات دولتی بر آنان را در بر دارد. برابری کمونیستی یک برابری واقعی و مادی در قلمرو اقتصادی، اجتماعی و سیاسی میان انسان‌ها است. برابری نه فقط در حقوق سیاسی، بلکه همچنین در برخورداری از امکانات و مواهب مادی و محصولات تلاش جمعی بشر، برابری افراد در جایگاه اجتماعی و مناسبات اقتصادی، برابری نه فقط در محضر قوانین، بلکه در مناسبات مادی متقابل انسان‌ها با یکدیگر. برابری کمونیستی، که در عین حال شرط لازم شکوفایی توانها و استعدادهای مختلف و متنوع همه افراد و شادابی مادی و معنوی جامعه است، تنها با از میان رفتن تقسیم انسان‌ها به طبقات امکان پذیر میشود. جامعه طبقاتی بنا به تعریف نمیتواند جامعه ای برابر و آزاد باشد.

## اخراج کارگران ایلان جرثقیل!

بنا به خبر دریافتی، طی 10 روز گذشته تاکنون بیش از 20 نفر از کارگران کارگاه صنعتی ایلان جرثقیل بنا به دستور کارفرما و به بهانه های واهی از کار اخراج شده اند. روند اخراج و بیکار سازی کارگران تدریجی بوده و کمکان ادامه دارد. "نجفی" مدیر و مالک کارگاه در جواب کارگران معترض به اخراجها گفته است: بدلیل فشارها و بحران مالی فعلا به خانه هایمان بروید تا بعد شما را خبر کنیم!

در این 10 روز مراجعات مکرر کارگران برای بازگشت به کار هیچ نتیجه ای نداشته است. بنا به اعلام یکی از کارگران اخراجی به دنبال اخراج کارگران کار و فعالیت تولیدی در کارگاه تعطیل نشده و نجفی با استفاده از کارگران جدید و ارزانتر به دنبال تولید بیشتر و کسب سود هرچه بیشتر است.

یکی از کارگران اخراجی که از بیماری پیوند کلیه رنج میبرد میگفت: با هزار مشکلات از شهرستان برای کار به تهران آمده ام، بیش از یکسال است در این کارگاه برای نجفی در ازای ماهی 300 هزار تومان کار می کنم. با توجه به هزینه های بالای زندگی و بیماری ام هیچ اندوخته و پس اندازی ندارم، من و خانواده ام از مسکن و حتی ابتدایی ترین امکانات زندگی محرومیم، فعلا در یک انبار مخروبه ای در جاده مخصوص کرج زندگی می کنیم. این روزها با اخراج از کار و بیکار شدن همان دستمزد 300 هزار تومان ماهیانه را هم از دست داده ام، فشارهای روحی و استرس بیماری ام را بشدت تشدید نموده، تازه بدتر از همه اینها بدلیل محاصره اقتصادی و ... داروهایی را که باید هر روزه مصرف کنم بسیار نایاب شده و باید در بازار آزاد و ناصر خسرو با چندین برابر قیمت تهیه کنم! از صبح تا شب دست فروشی می کنم، راستش نه پول و نه وقتی برای تهیه داروهایم ندارم، فعلا من و خانواده ام برای نان شبمان محتاجیم، آیا در محاصره اقتصادی آوندها و سران حکومت و امثال این نجفی بی شرف در محاصره و فشار قرار می گیرند یا فقط ما کارگران بیمار و گرسنه و اخراجی باید تاوان بدهیم؟

شرکت ایلان جرثقیل با بیش از 20 کارگر روزمزد (که فعلا از کار اخراج شده اند) و دستمزدهای 300 هزار تومانی و ساعت کاری 7 صبح تا 7 شب و اضافه کار اجباری بنا به نیاز و صلاحدید کارفرما تا پاسی از شب و ایام تعطیل، تولید و مونتاژ کننده انواع لوازم جانبی جرثقیل بوده و در جاده مخصوص کرج واقع میباشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۴ شهریور ۱۳۸۹ - ۵ سپتامبر ۲۰۱۰

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!